

**MARVEL**

THE WORLD'S GREATEST COMIC MAGAZINE!

030

DUGGAN  
HAWTHORNE  
PALLOT  
BELLAIRE

# DEADPOOL



**COMIC CITY**

[www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

انتقام جو ... قاتل ... سوپرستار ... آدم بد بو ... اگه ماهرترین مزدور دنیا نباشه، قطعا رو مخ ترین هست. وید ویلسون واسه یه برنامه ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش یه سری قدرت داد که بتونه هر زخمی رو درمان کنه. ولی یه جورایی، با اینکه فقط پولشو میگرفت کارش رو میکرد، وید تبدیل به پرتفدارترین "قهرمان" تو دنیا شد. صداس کنین پول پرست وراج ... صداس کنین احمق نمردنی ... صداس کنین ...

# ددپول



LIL' DEADPOOL ART BY  
IRENE Y. LEE

زندگی  
مزخرفه.

به طور دقیقتر،  
زندگی من  
مزخرفه.

کلی مشکلات  
دارم، ولی الان نمیخوام  
راجع به اکثرشون صحبت  
کنم.

تمرکز من امروز  
روی یه نفره ...  
کلاه دیوونه!

برای پیدا کردن  
راه حل، میخوام سعی  
کنم بیرون از جعبه  
فکر کنم.

جعبه هم منظورم  
اون چیزیه که ما  
بهش میگیم زمین!

...

دارم میرم  
فضا!

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Gerry Duggan writer  
Mike Hawthorne penciler  
Terry Pallot inker  
Jordie Bellaire colorist  
VC's Joe Sabino letterer  
Mike Hawthorne & Jordie Bellaire cover artists  
Scott Koblish, Guru e-fx, & Joe Sabino secret variant cover  
Ron Lim & Rachelle Rosenberg, Rob Liefeld & Jesus Alburto, David Nakayama variant cover artists  
Heather Antos assistant editor  
Jordan D. White editor  
Axel Alonso editor in chief  
Joe Quesada chief creative officer  
Dan Buckley president  
Alan Fine executive producer

COMIC CITY

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2017 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM

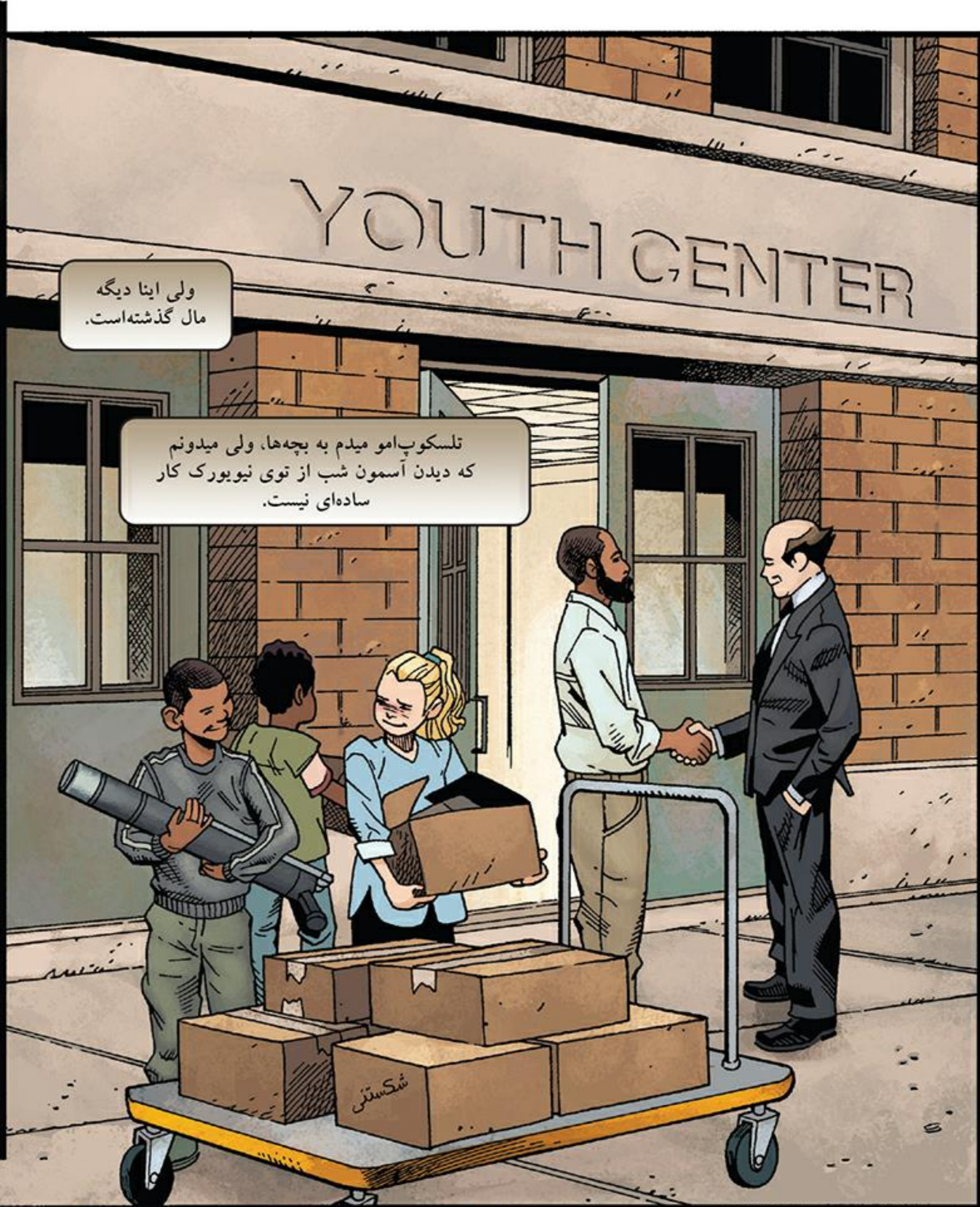
اسم من اسکات ادسیتسه.

من مامور شیلد هستم... یا بهتره بگیم بودم.



ولی اینا دیگه مال گذشته است.

تلسکوپ امو میدم به بچه‌ها، ولی میدونم که دیدن آسمون شب از توی نیویورک کار ساده‌ای نیست.



باید استغانامه‌ی رسمیم رو هم برای شیلد بفرستم، و به نامه‌ی خدافظی برای همه اونایی که فکر میکنم لیاقتش رو دارن.



حتی واسه ددپول هم یکی نوشتم، ولی لیاقتشو نداره.



همیشه فکر میکردم که وید دلیل مرگ من میشه. اصلا همین که دور و برش باشی حس میکنی که اونجایی تا بمیری ... یا حتی بدتر.



وید ویلسون دیگه شانس کشته منو از دست داد.



اینو میدونم چون امشب آخرین روز زندگی من رو این سیاره قشنگه.

دارم فکر میکنم اسلحه‌ام رو هم بندازم، ولی این سیاره قشنگتر از اینه که ...

هوا!



اصلا کار خوبی نیست!

برو بابا.

هفن!

"هوا برای رفتن از سیاره‌ی زمین صافه ..."



"سیستم‌ها برای احتراق  
موتور اصلی آماده‌ان ... سه...  
دو... یک..."

"موتور اصلی  
روشنه."

این مأموریت برای  
رسوندن تدارکات لازم به  
ایستگاه فضایی بین‌المللی. چیزایی  
مثل غذا، لباس، ابزارآلات ...

"... حتی یه توالت جدید  
برای تعویض توالت قبلی که  
درست کار نمیکنه ...

"اوه اوه! صحبت از  
درست کار نکردن شد ... مثل  
اینکه کپسولمون از ایستگاه فضایی  
رد شد."

"اعتراف  
میکنم ..."



... حدسم واسه کاربرد  
این صندلی اشتباه بود. فکر میکردم  
ناسا میخواد یه کلوپ فضایی  
چیزی راه بندازه.

تو کی  
هستی؟! از خطوط  
ارتباطی ما برو  
بیرون.

ببخشید، بذار  
از اول شروع کنم.

اسم من ددپوله و  
من این کپسول رو دارم  
به نام انتقام فرماندهی  
میکنم.

دارم میرم یه  
اسلحه پیدا کنم که  
دشمن بزرگمو باهاش  
بکشم.

ببین، همه چی  
از اونجایی شروع شد که  
اون و من با هم دیگه  
یکی شدیم...



مجبوریم به  
اینا گوش بدیم؟

افتخارش نسیبت  
شده که بهش گوش  
کنی! خب کجا  
بودم؟

ارتباط و قطع  
کنین.

میدونی چقدر طول  
میکشه تا ناسا و اسپیس آکس  
بتونن یکی دیگه ...

KLIN

فکر میکنی بامزه‌ای  
ددپول؟

نه، هیچکدوم اینا  
بامزه نیست.

KLIN

دارم وقت کشتن  
دشمنمو از دست میدم.

هیچی رو زمین نیست  
که بتونه کلاه‌دیوونه رو  
بکشه...

... واسه همین دارم میرم  
فضا که اونجا به راه حل  
گیر بیارم.

و منظورم از "راه حل"، به  
اسلحه‌است.

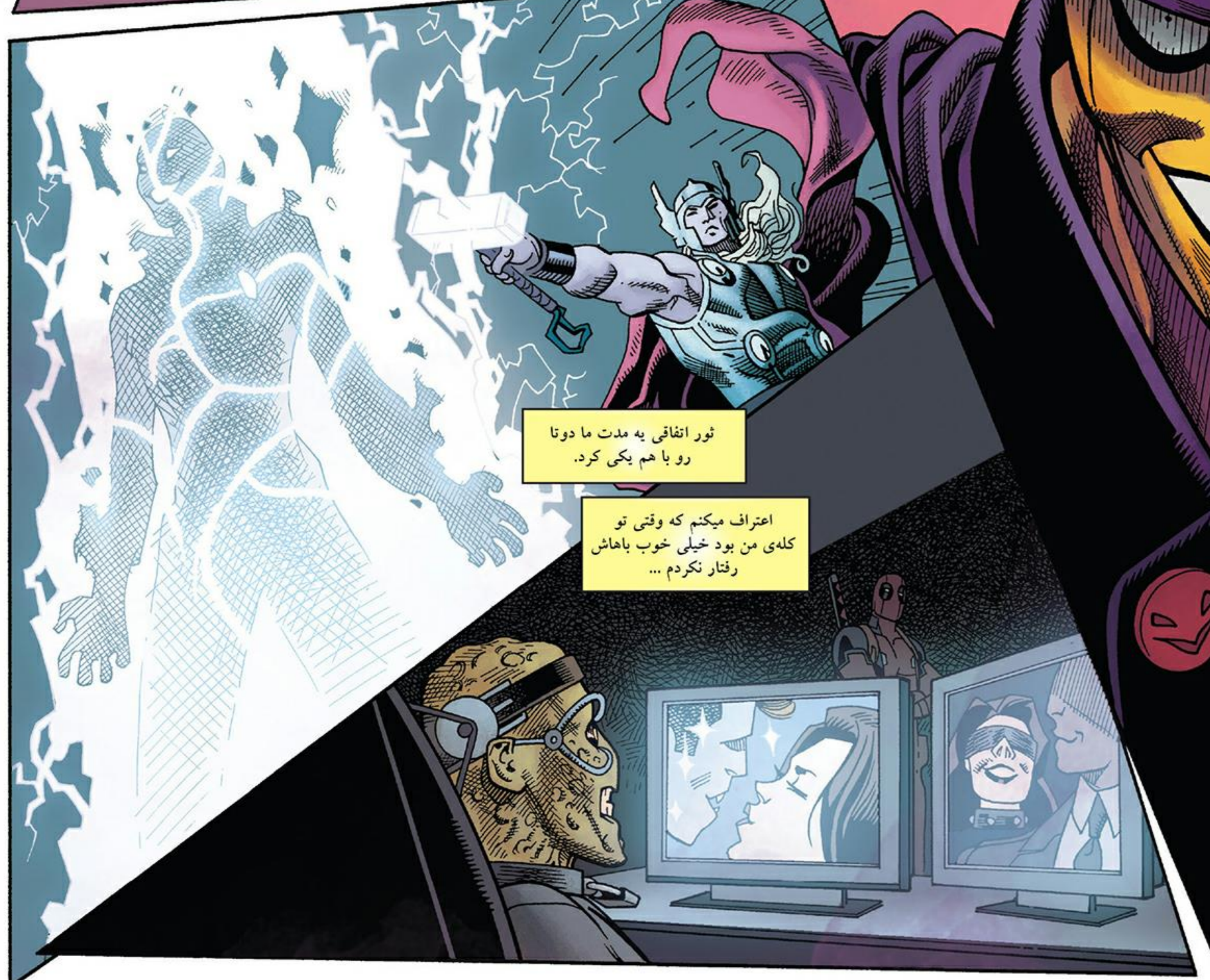
اگه نتونم به راه  
واسه گرفتن جلوی  
کلاه‌دیوونه پیدا کنم، اون  
هرکسی که روی زمین من با کمال  
بی میلی بهش کوچکتین اهمیتی  
میدم و میکشه.



کلاه‌دیوونه قابل کشتن نیست.

مثل من.

سعی میکنه با چرندپانتش مردمو بخندونه ... مثل من.



نور اتفاقی به مدت ما دوتا رو با هم یکی کرد.

اعتراف میکنم که وقتی تو کله‌ی من بود خیلی خوب باهات رفتار نکردم ...



وقتی هم که بالاخره من و کلاه‌دیوونه از هم جدا شدیم، کلی از بدی‌های منو به خودش گرفته بود.

و از همونجایی بهم حمله کرد که بیشتر از همه آسیب پذیرم.

خب، وقت رفتنه.

W. WILSON  
D.O.A.



دارم از زمین  
میرم.

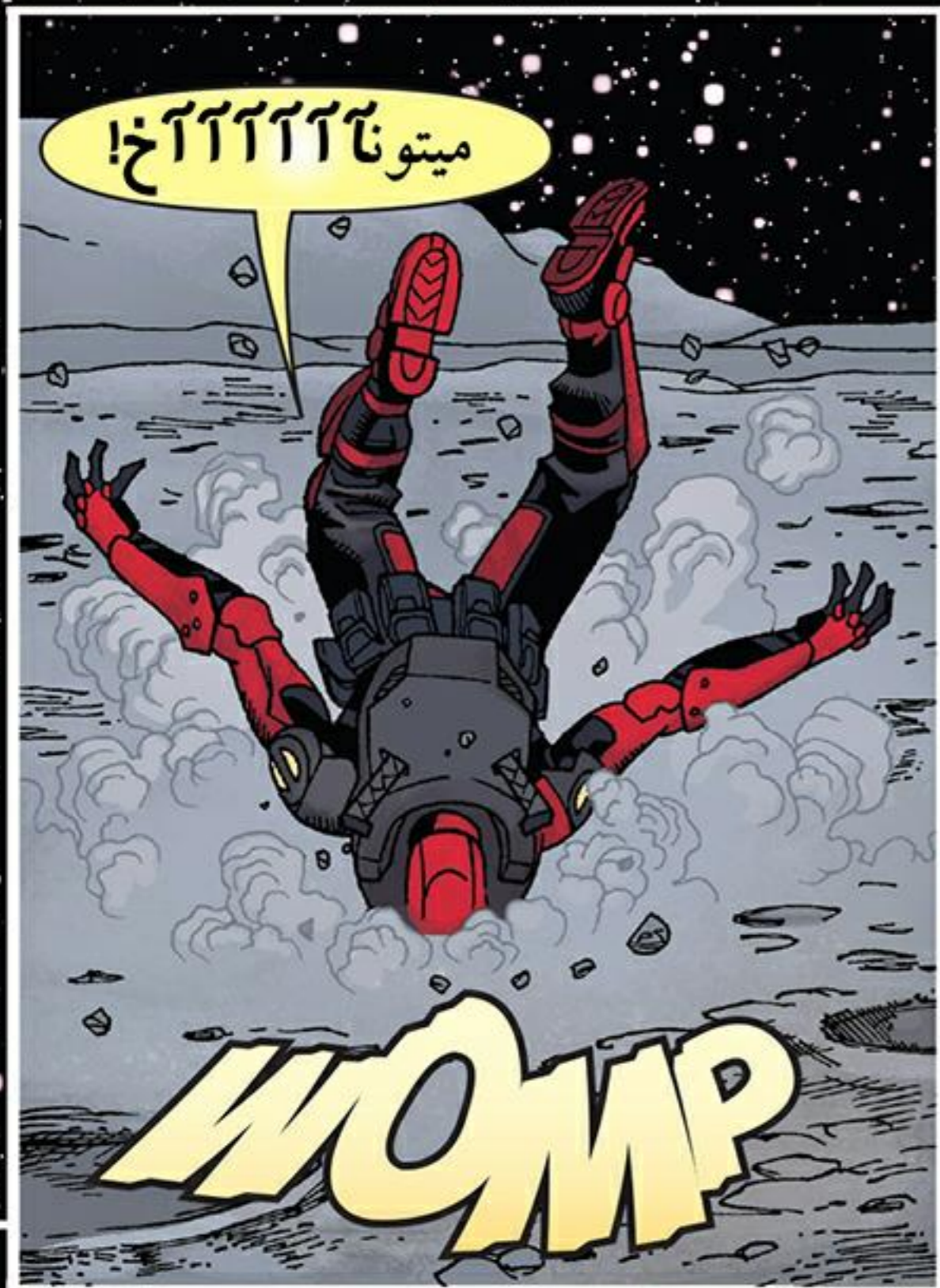
اینجا کسی که منو بشناسه  
رو نمیبینم.

میتونم هرکی  
که میخوام  
باشم.

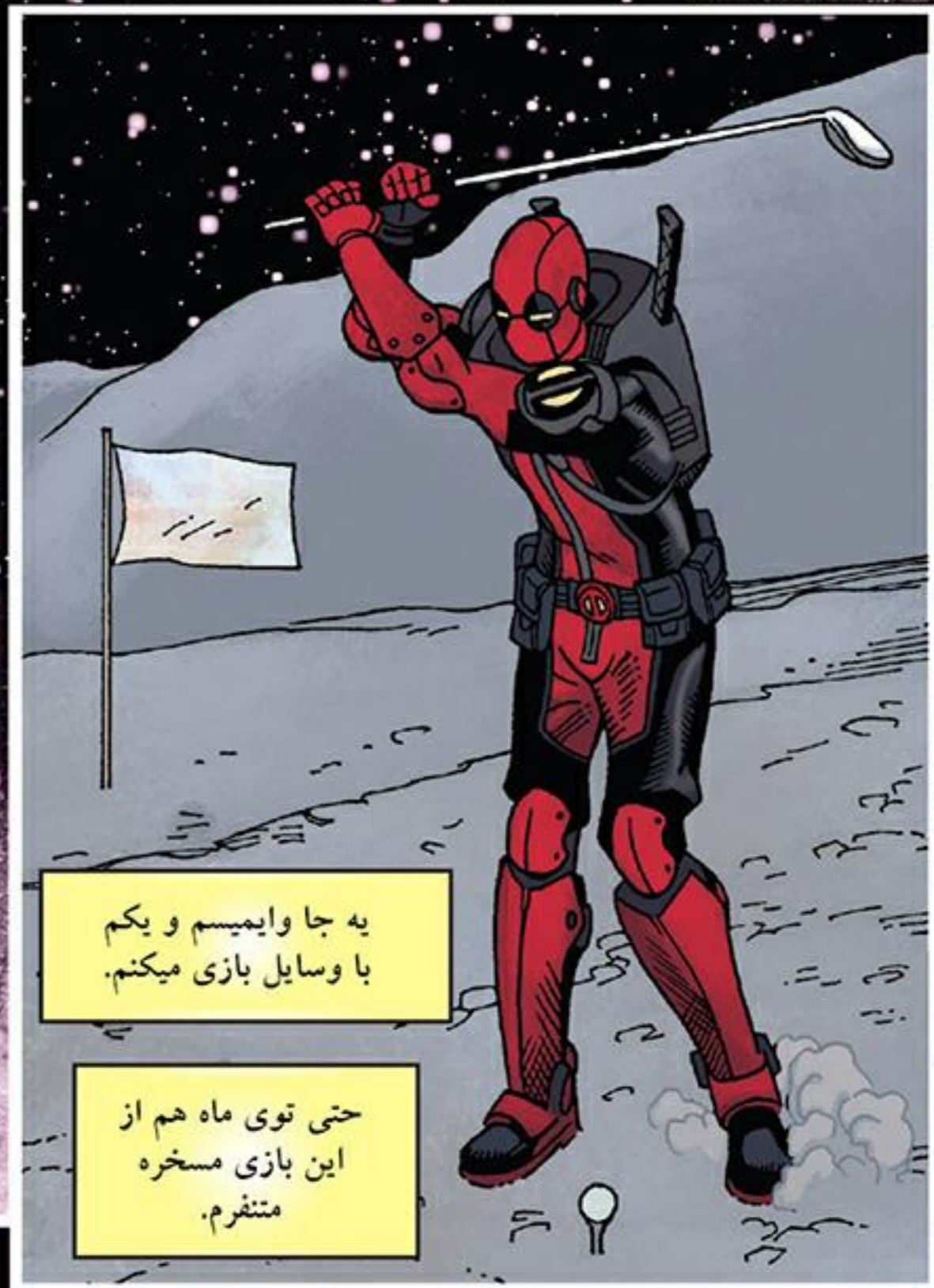
مجبور نیستم که  
خودم باشم.

میتونم هرکاری  
بکنم.





آها، جاذبه اینجا  
کمتر کرم میریزه.



یه جا وایمسم و یکم  
با وسایل بازی میکنم.

حتی توی ماه هم از  
این بازی مسخره  
متنفرم.



خدا حافظ پسرم.

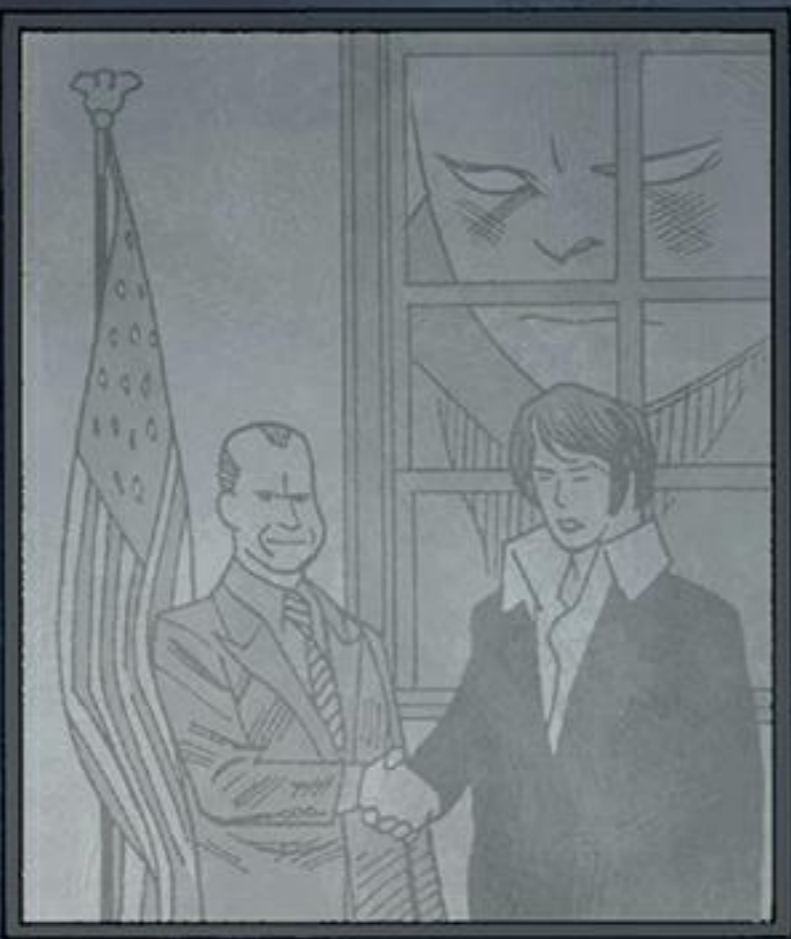
حالا دیگه  
همه‌ی اینا  
مال تونه.



اومدم اینجا تا از قبر مرد روی  
ماه دزدی کنم.



این یارو همه چی رو دیده و شاهد بوده.



و یوآتو توی همه‌ی مهمونی‌های بزرگ هم حضور داشته.



مثل اینکه من اولین نفری نیستم که اومده اینجا و دنبال چیزی میگرده.



همه چیزای خوشبو زدن به جیب ...



... ولی این یکی از اوناییه که دزدای قبلی جا گذاشتن.



حدس می‌زدم.



اگه به اسلحه درست حسایی تو دامش داشت که الان نمرده بود.



هااا؟  
شاید این یکی کار کنه.



اووفا!  
زدم درست تو خال!  
بین اینجا چیا داریم!



پیرمرد بین به چه چیزایی علاقه داشته.  
پخش زنده‌اش چطوریه؟



خیلی جنگ دلنشینی به نظر میاد. باید برم اونجا!  
آها خودشه!



بالاخره به چیزی باید  
تو این آشغال دونی کار  
کنه دیگه.



ایول!

قبلا دیدم که اون یارو دانشمند  
ویلچریه راجع به این فک بزنه.



حدس میزدم که پیدا  
کردن اسلحه روی ماه کار  
سختی باشه.

فقط امیدوارم اون جنگ  
فضایی که دیدم تا موقعی که  
برسم اونجا ادامه داشته باشه.



برو برو ای  
کشتی فضایی!

الان تازه فهمیدم...  
تا حالا از اینکارا  
نکردم ...



... تا حالا مسافرت  
نرفتم.



اینکه برای فقط به لحظه دست از کشتن  
برداردم و بزرگیه این دنیا رو تجربه کنم.  
زیبایشو ...



ای جونم!

اینجارو باش.

مثل بیگانگان بر علیه جنگ ستارگان  
بر علیه درندگان میمونه!

واقعا رویاها به  
حقیقت تبدیل میشن.

اه لعنتی، این  
تخته اسکی ترمز  
نداره.

وای!  
ها-ها!



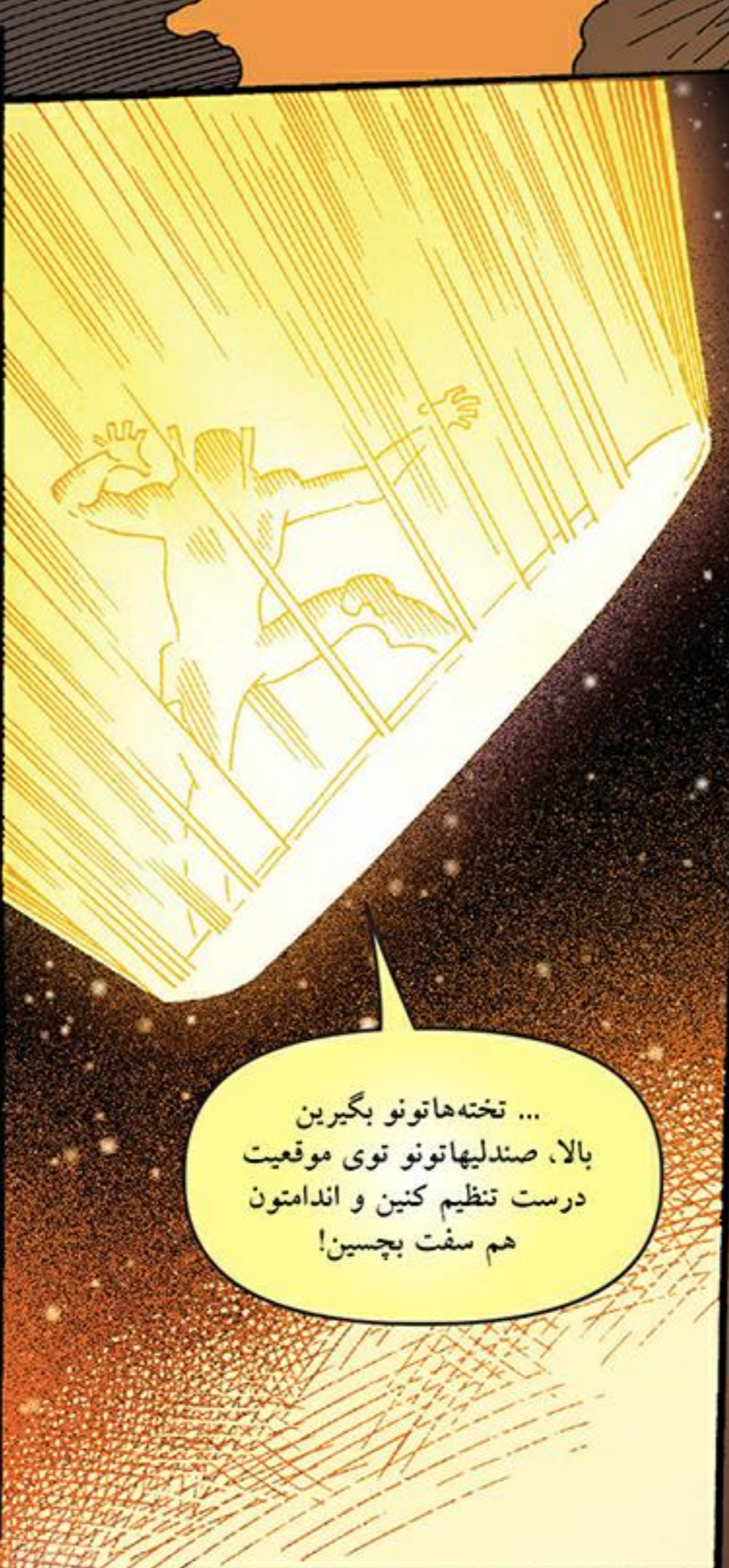


مرغ دریغاب!

هو هو!  
از سر راه من برو کنار...  
همینطور از داستانتانم!



اوه اوه!  
دوستان، کاپیتان تون  
صحبت میکنه ...



... تخته ها تونو بگیرین  
بالا، صندلیها تونو توی موقعیت  
درست تنظیم کنین و اندامتون  
هم سفت بچسبین!



ددپول داره میادا!



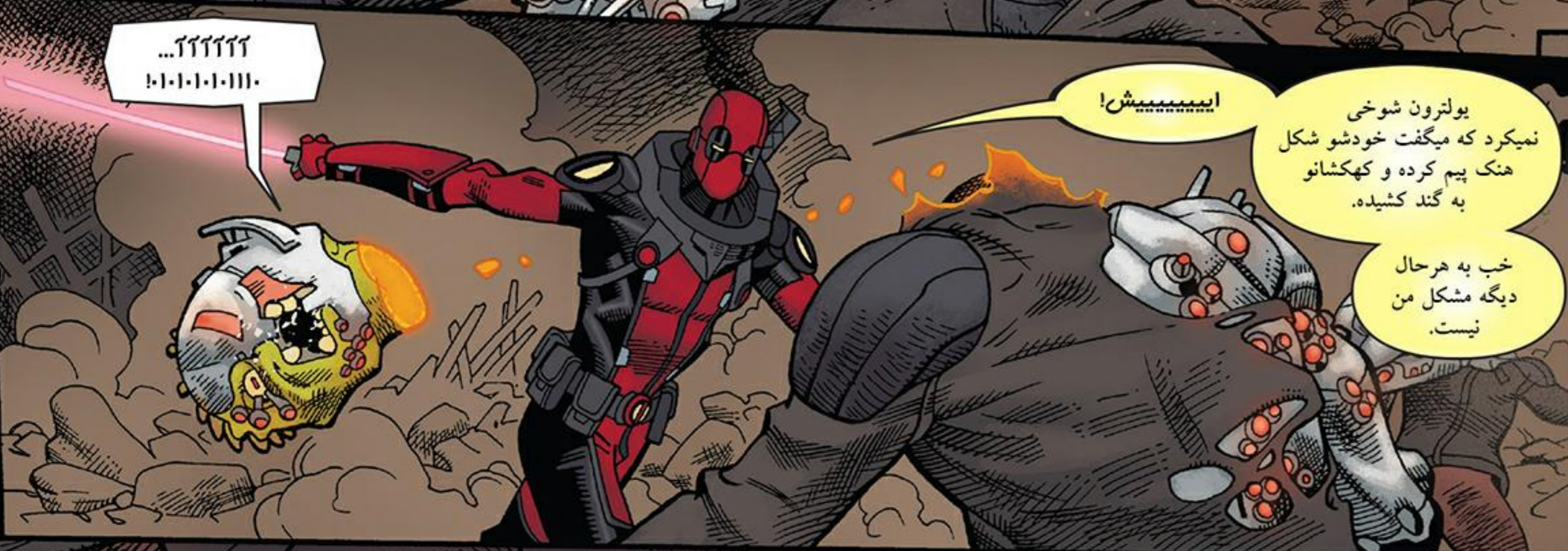
اینجا رو باش! قشنگترین  
دنیا بیه که میتونستم تصور  
کنم!



بمیر!

!!!!!!!

جلو... جلو  
نیا!



.....  
- - - - -

اییییییییش!  
یولترون شوخی  
نمیکرد که میگفت خودشو شکل  
هنگ پیم کرده و کهکشانو  
به گند کشیده.  
خب به هر حال  
دیگه مشکل من  
نیست.



آآآ!  
درو ز زمینی بر  
توا!



ما الانش  
هم مردیم!

از روحیات  
خوشم میاد جون.



اووفه!  
چیزه، بابت ... خب...  
بابت از دست دادن کل خاندانت  
متاسفم اینطور که به نظر  
میرسه.



یه سوالی راجع  
به اسلحه داشتم و به نظر  
میرسه هیچکس بهتر از تو  
برای پرسیدن ازش نیست.

میکشمت!  
می ...



آآآآآآآآآآ!

SWASH

اسلحه میخوام،  
عقب مونده!



من اهل اینورا  
نیستم و اسلحه  
میخوام.

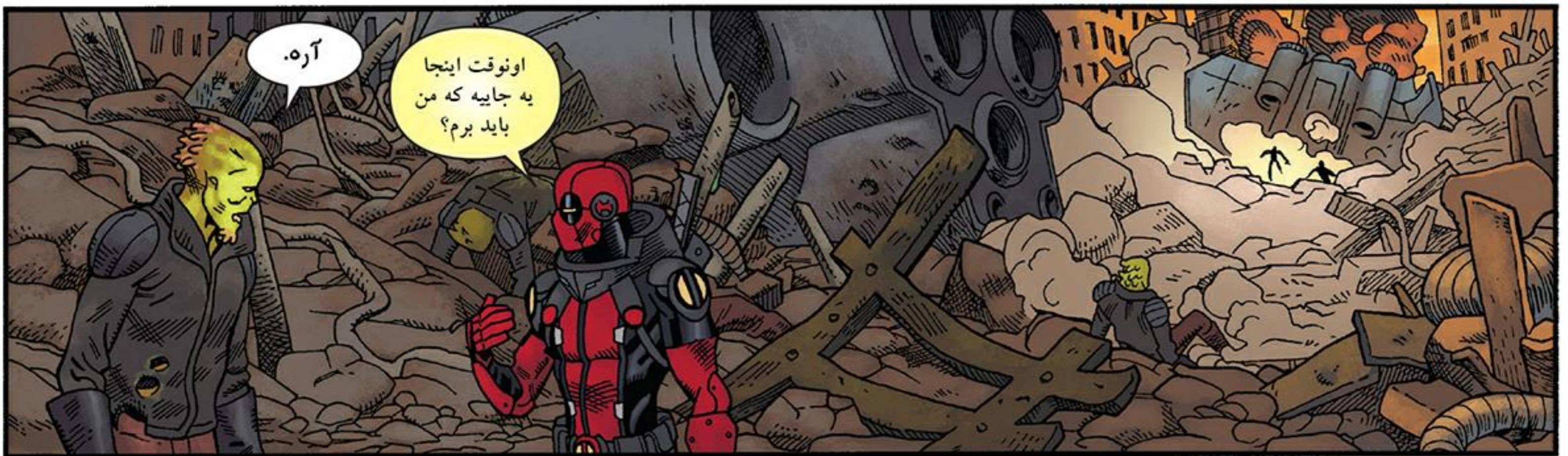
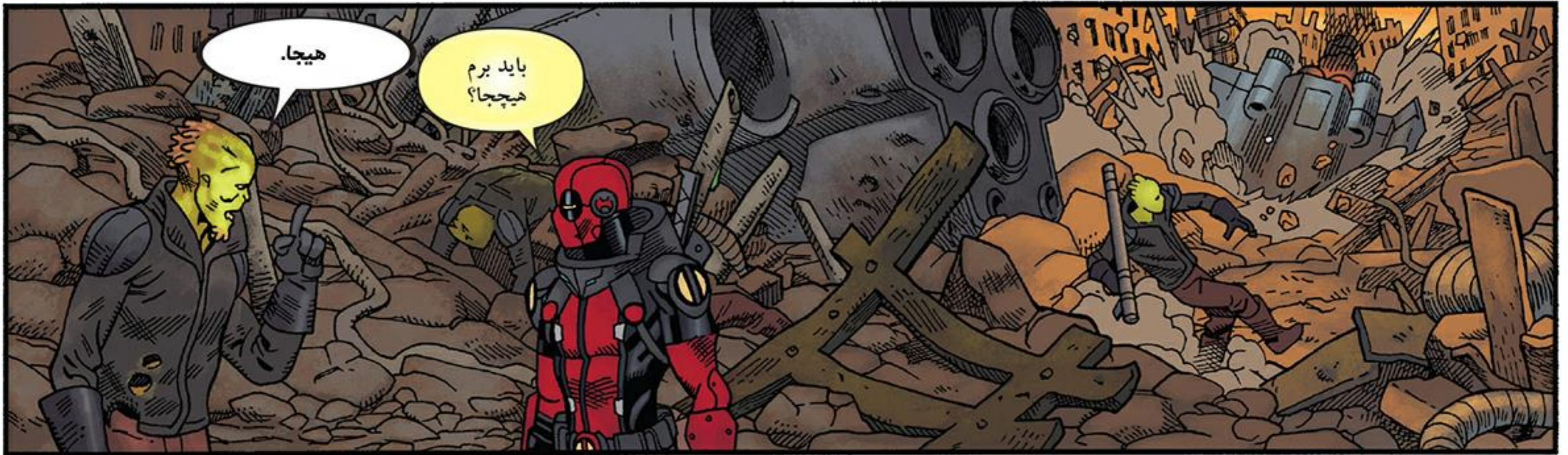
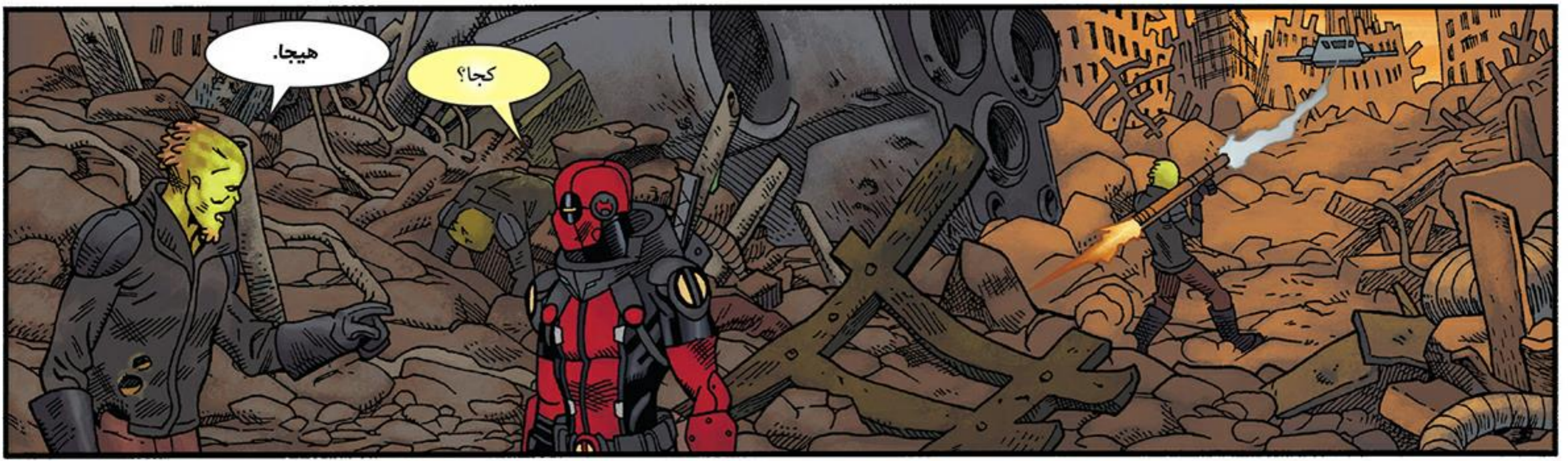


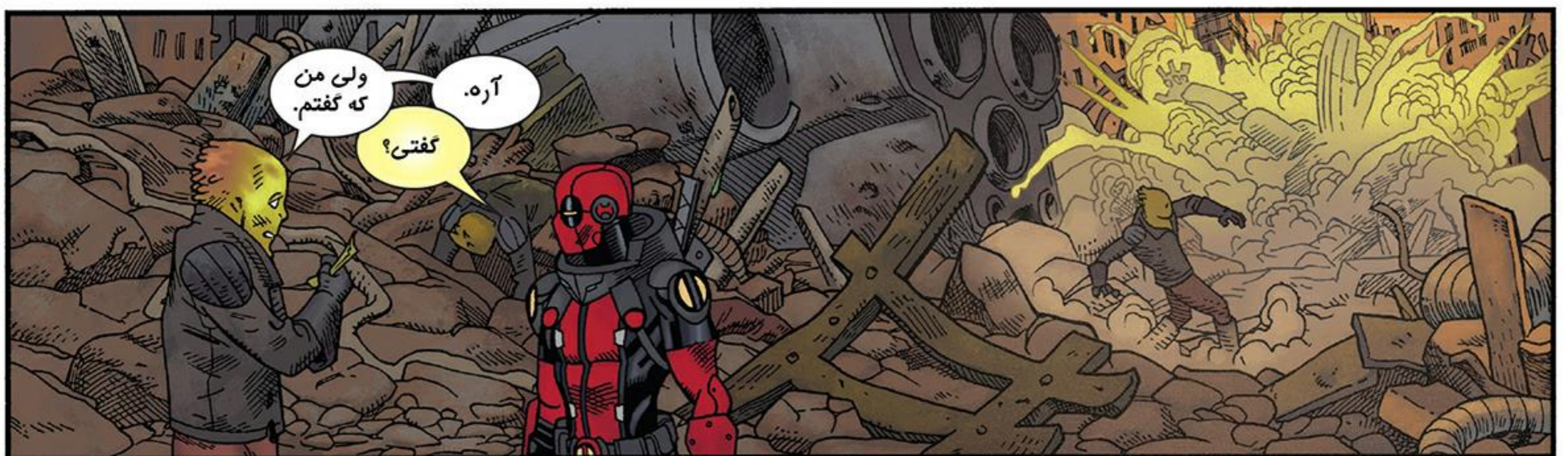
وای، وای، آی، آی،  
آخ، تجهیزات  
زندگانییم.  
آخ.  
پس که  
اسلحه میخوای،  
ها؟

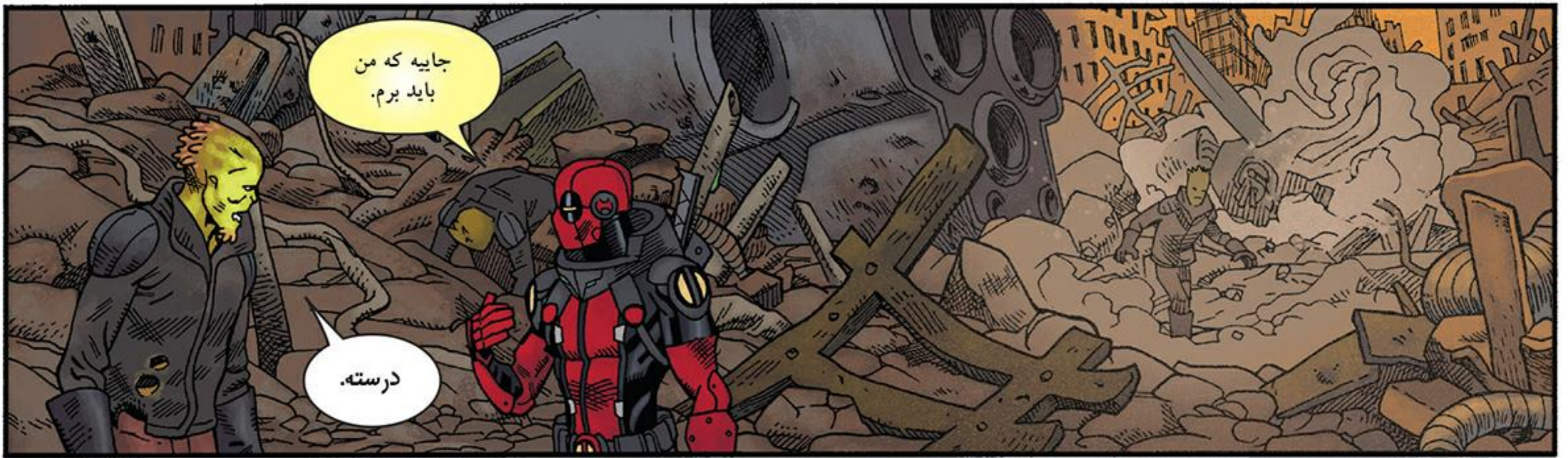
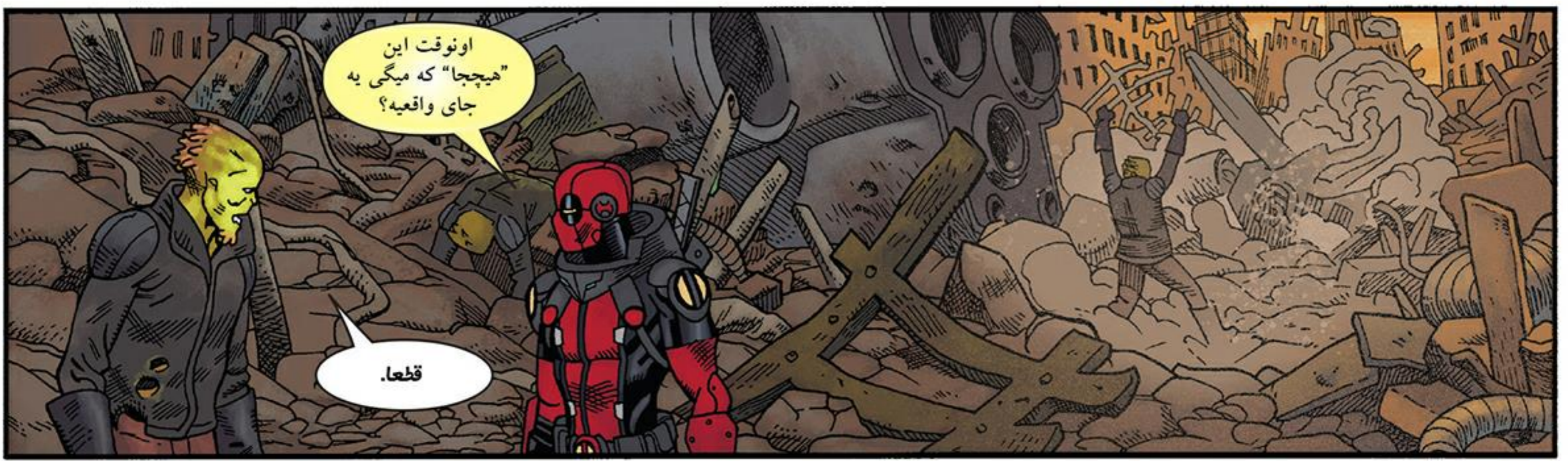


البته. همه  
میدونن واسه اسلحه  
باید کجا برن ...











رو مخ من  
راه نرین بابا.

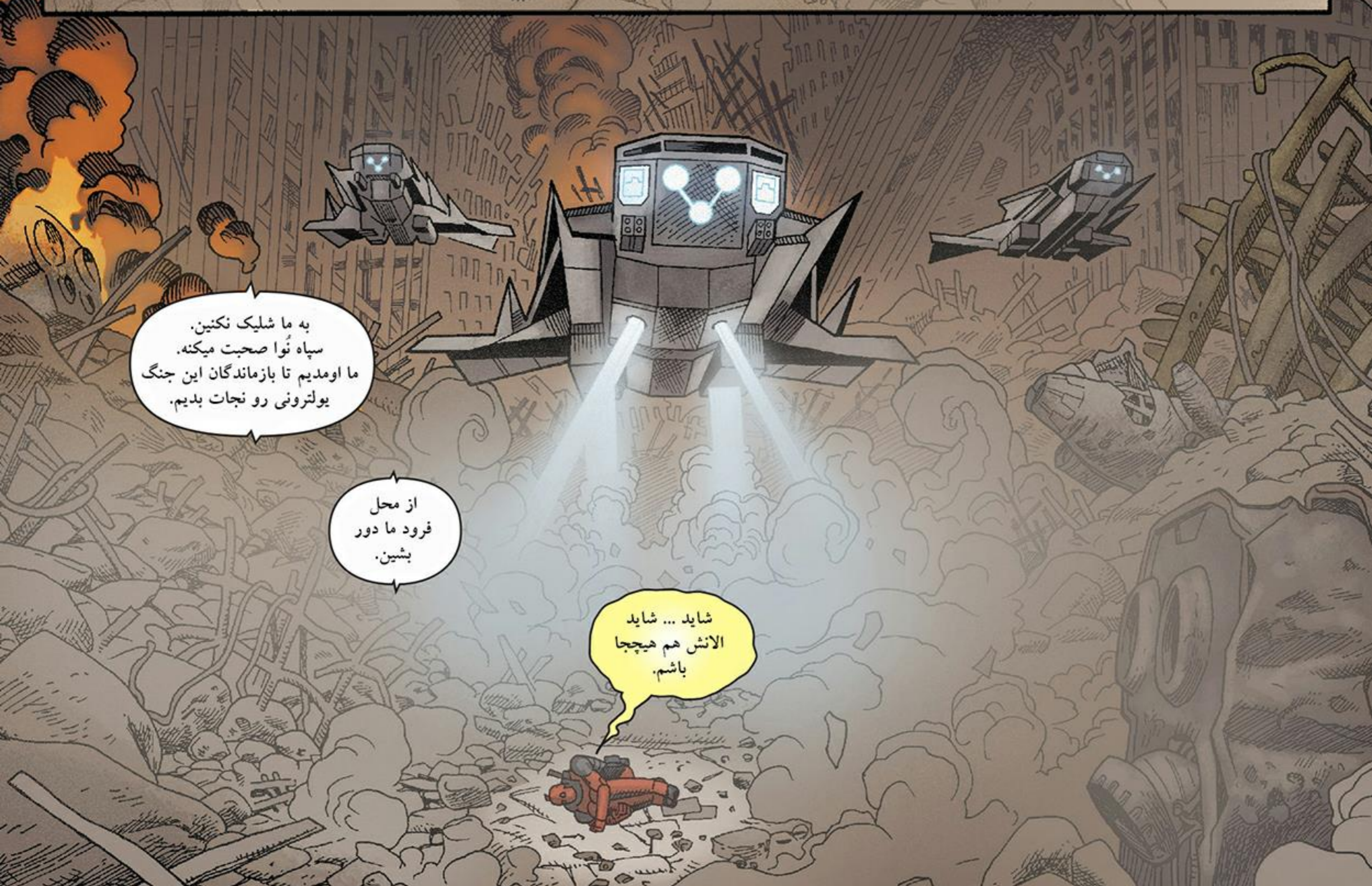
کی آخه میدونست  
حرف زدن با فضاییا  
انقدر سخته؟

هی بهش میگم  
کجا برم هی برمیگرده  
میگه هیچجا ...

آخه من چه  
گناهی کردم که این  
حقم باشه؟

مثلا من فراره اون  
باشم که مردمو با فکش  
دیوونه میکنه.

لعنت بهش. اوادم  
فضا و رسیدم جایی که  
جای هیچ آدمی نیست.



به ما شلیک نکنین.  
سپاه نوا صحبت میکنه.  
ما اومدیم تا بازماندگان این جنگ  
یولترونی رو نجات بدیم.

از محل  
فرود ما دور  
باشین.

شاید ... شاید  
الان هم هیچجا  
باشم.

شرایط بدی داره. نمیدونم  
زنده میمونه یا نه.  
فقط یه نفر  
زنده مونده.

هیچ ... جا؟  
هی. هو. میدونی چی  
باحال میشه؟ اگه واقعا  
یه همچین جایی وجود داشته  
باشه.

از مامور دیدبانی  
به مرکز: یه بازمانده  
مسموم نشده رو نجات  
دادیم.





چیز زیادی از سیاره‌ای که توسط ویروس یولترون مورد حمله قرار گرفته نمونه.

یه هشدار به همه زبونا اونجا گذاشتیم که اونجا رو قرنطینه کنن.



هی، کله ستاره‌ای. این سفینه تون چقدر قدرت داره؟ واقعا بهترین تجهیزات سپاه نواست؟

یدونه هم میدید من؟

بگیر بخواب و گرنه میبرم میندازمت همونجایی که پیدات کردم.

وقتی که برسیم امتیاز یه ستاره بهتون میدم!

چی؟

هیچی.



ایستگاه زمرد، نوا او براین صحبت میکنه. داریم آماده میشم تا با یه بازمانده فرود بیایم.





ممنون. ببرینشوش  
به مریض خونہ.

دیدبانامون فقط  
یہ بازماندہ رو گزارش دادن،  
فرماندہ ادسیت.

کامپیوتر،  
با این لباس  
چطوری میشم؟



مثل یہ فرماندہی  
نوا.

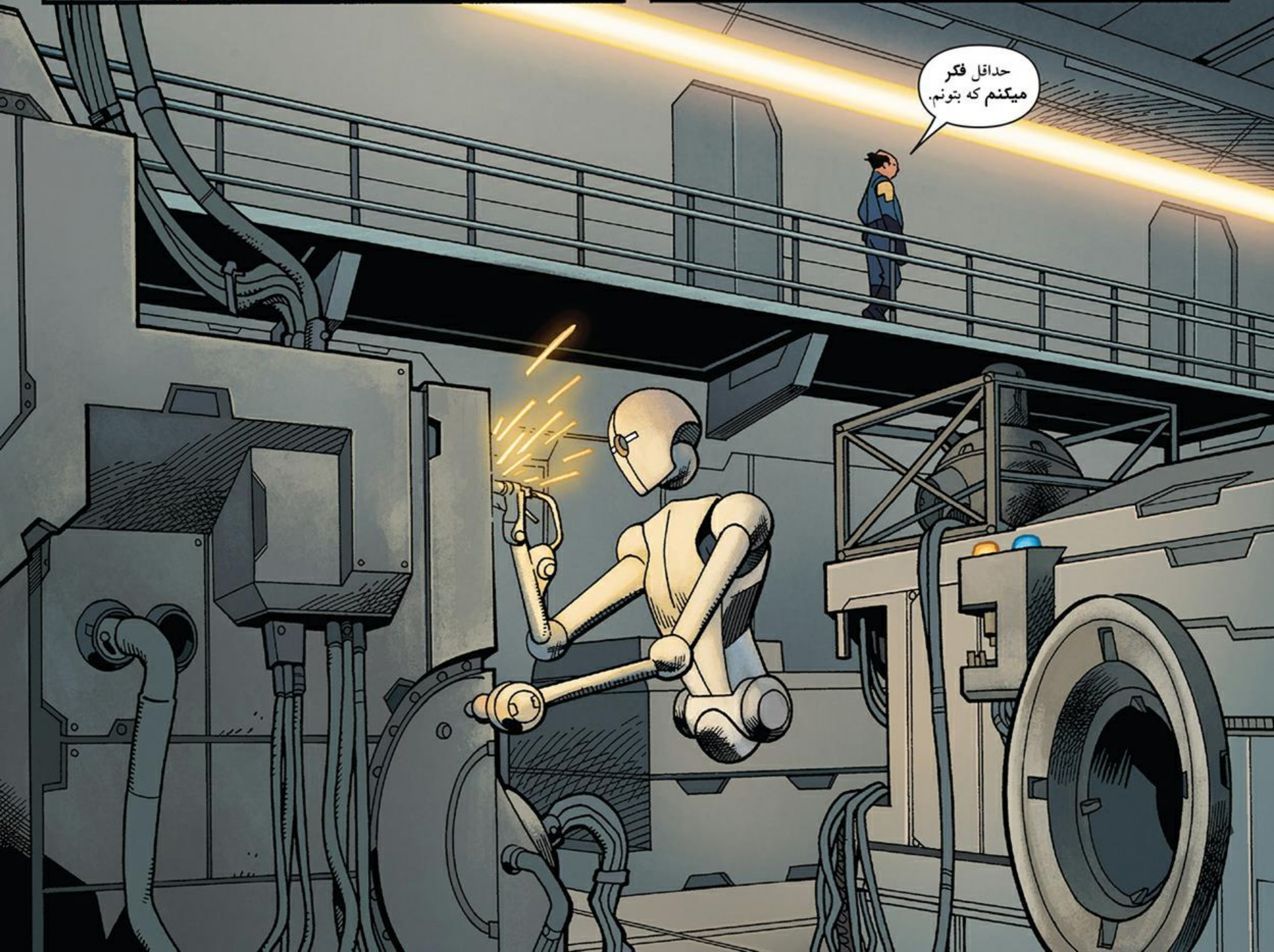
نمیتونم دستور تونو  
اجرا کنم. نابود کردن  
اطلاعات سپاہ نوا یہ خلاف  
جدیدہ.

نہ. بیخیال.  
فراموشش کن.



یرم به نیروهای  
جدیدمون خوش آمد بگم،  
بعدش ہم میرم مریض خونہ  
کہ بازماندہ رو بازجویی  
کنم.

میتونم از  
پسش بر پیام.



حداقل فکر  
میکنم کہ بتونم.



عصر همگی  
بخیر.

بذارین من اولین  
نفری باشم که ورود شما  
رو تبریک میگم به

**سپاه نوا!**



اسم من اسکات  
ادستیه و من یک  
زمینی هستم.

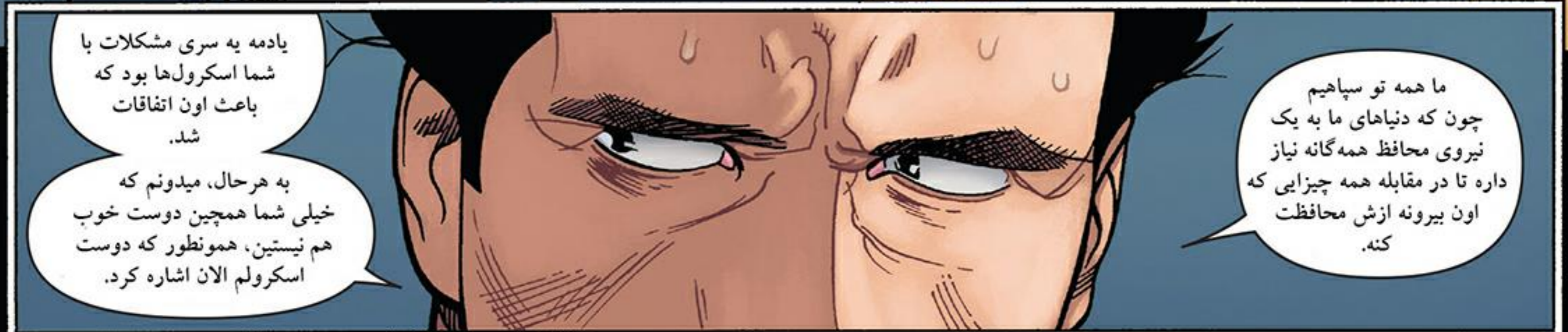
**بوووو!!!**



بابا دیگه  
همه مون هم اونقدر  
بد نیستیم.



مردم شما سیاره  
منو تر کوندن.



یادمه یه سری مشکلات با  
شما اسکرونها بود که  
باعث اون اتفاقات  
شد.

به هر حال، میدونم که  
خیلی شما همچین دوست خوب  
هم نیستین، همونطور که دوست  
اسکرولم الان اشاره کرد.

ما همه تو سپاهیم  
چون که دنیاها ما به یک  
نیروی محافظ همه گانه نیاز  
داره تا در مقابله همه چیزایی که  
اون بیرونه ازش محافظت  
کنه.



مثل شما زمینی های خودخواه؟



احیانا نباید کلاه خود نوا رو بذاری الان رو سرت؟



گوشمو اذیت میکنه. سپاهتون باید به کلاه مخصوص من بسازه که رو سر من جا شه.



تو به تغییر شکل دهنده ای. نمیتونی شکل کلاهات و عوض کنی و تو کلاه جا شی؟



اگه نمیخواه شکلشو عوض کنه تو نمیتونی مجبورش کنی که عوض کنه! این نژاد پرستیه!





بذارین دنیا رو نجات بدیم و همدیگه رو نکشیم.

خیلی خب همگی، خوش گذشت.



میتونست بهتر از این پیش بره.



یه مشکلی با بازمانده پیش اومده.

منظورت چیه؟



نه! امکان نداره این تو باشی!!



امکان. نداره.

ادسیت!  
تو اینجا چیکار  
میکنی؟

فکر نمیکنی  
این کلاها کوچیک  
باشن؟

میخواستم  
لباس اینارو بپوشم،  
ولی گوشمو اذیت  
میکنه.

تو چرا اون  
لباسو پوشیدی؟ تو هم  
داری سعی میکنی از  
اینجا یواشکی بری  
بیرون؟

بیا با هم دیگه  
بریم بیرون. اونطوری میتونیم  
دو برابر بیشتر از اینارو  
بکشیم.



واقعا خودتی،  
مگه نه؟!

من این لباسو  
پوشیدم چونکه  
منتقل شدم به سپاه  
نوا!



دیگه بهتر. منو  
بیر به انبار اسلحه تون.

ملوان زبل  
اسفناجشو میخواد.



**تخیر!!**

من از زمین رفتم  
که از تو دور شم!



چرا؟ مگه  
من چیکارت کردم؟

من نمیخوام واسه یه کار  
احمقانه‌ای که تو کردی  
بمیرم. من به سپاه ملحق شدم  
تا یه مسیر دیگه واسه خودم  
بسازم.



نمیخوام یکی باشم  
که تو یکی از داستنای  
احمقانه‌ی تو میمیره.

حالا این شد حقیقت. از من به تو نصیحت ... مواظب آرزوت واسه دختری غیرانسان باش.

در ضمن "دختر پوست سبز" مثل بدترین آهنگ ون موريسان میمونه.

حالا که اینجاییم ... بگو قویترین اسلحه تو دنیا که به چکش جادویی یا به حلقه‌ی سبز یا از این چیزا نباشه، چیه؟

هی، یادته بار اولی که همو دیدیم منو استخدام کردی که رئیس جمهور زامبیا رو بکشم برات؟

باشه بابا.

حالا همه بدبختیای زندگی هم تقصیر تو نیست.

من فقط ...

از شیلد انتقال گرفتم به سپاه نوا تا بتونم جهانی جدید و بیستم و زمین هم از فضا در امان نگه دارم.

دلتم میخواد با یه دختر پوست سبز آشنا شم.

میتونه هر چیزی رو نابود کنه، ولی کسی نمیدونه که کجاست.

همم. فکر کنم شاید فرا نابودگر باشه؟

تو یکی از لیستای وسایل فضاییه گم شده‌است که من دارم. رسماً به لیست از شهاب سنگ و تکه چوب باستانی و از این چیزاست.

فضا واقعا جای عجیبیه.

اون نابود کننده به نظر عالی میاد!

کامپیوتر، به المثنی از این یارو "فرا نابودگر" یا هرچی که هست برام بزن.

خب اسکات. فهمیدم. میخوای یه کم وقت واسه خودت داشته باشی و بری ستاره بازی.

هروقت نظرت عوض شد، من تو زمینم و دارم انواع و اقسام فک میارم پایین.

من میخوام تو فضا بمیرم.





کسی رمز  
وای فای رو داره؟

منم دارم به  
مردمم میگم.

# نابودگر پیدا شد.

دست به زمینیه که داره میره هیجا

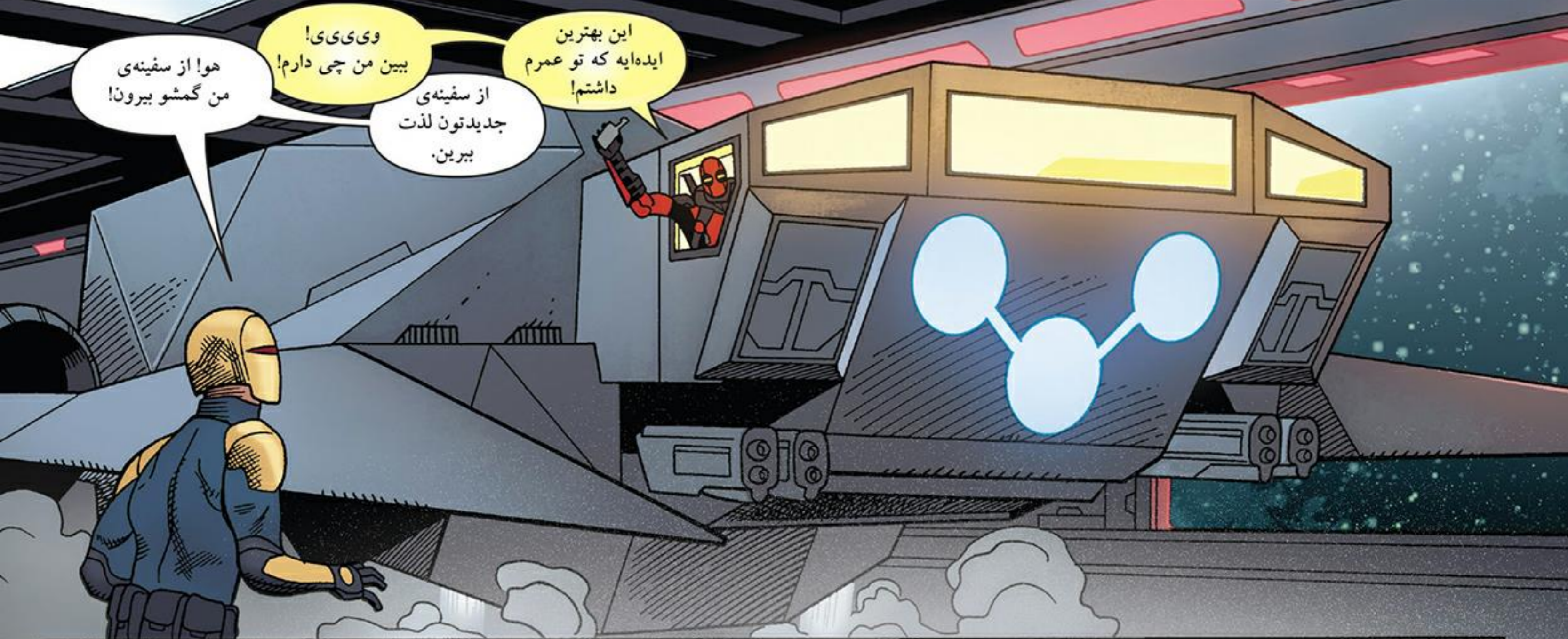


شنیدی  
میگن نابودگر  
پیدا شده؟

دست به  
زمینیه!

اونا بدترین!

چی گفتی؟  
یه زمینی با نابودگر؟؟



هو! از سفینه  
من گمشو بیرون!

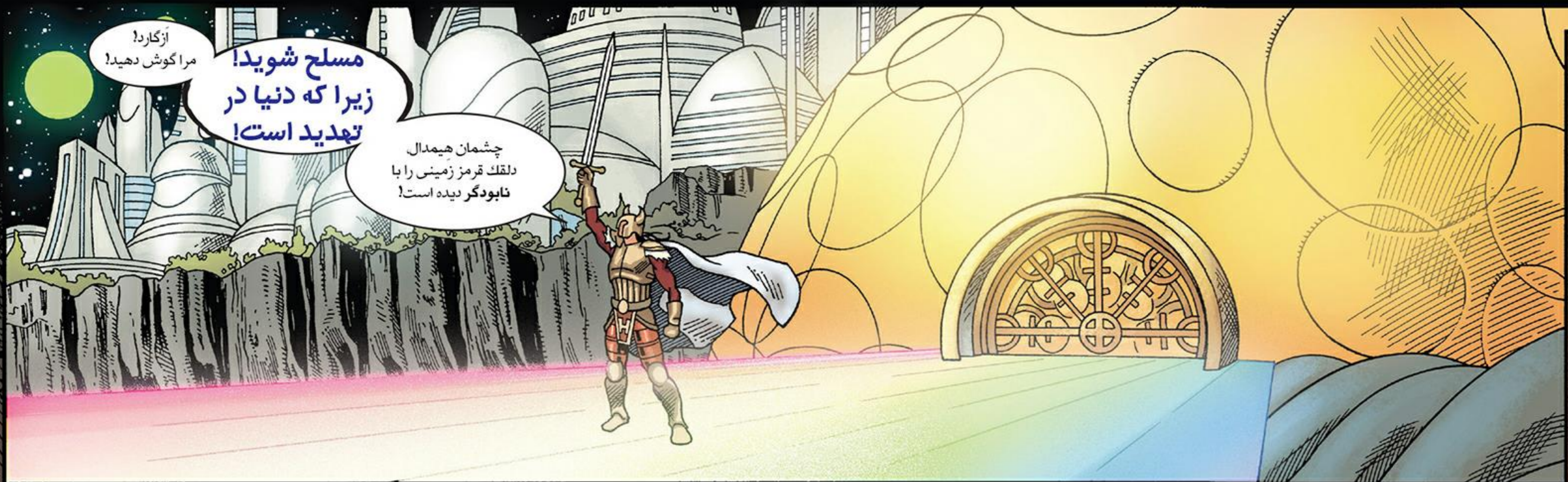
وییی!  
بین من چی دارم!

از سفینه  
جدیدتون لذت  
بیرین.

این بهترین  
ایدهایه که تو عمرم  
داشتم!



یا حضرت  
ادین!



از کاردا!  
مرا گوش دهید!

**مسلح شوید!**  
زیرا که دنیا در  
تهدید است!

چشمان هیمدال  
دلگ قرمز زمینی را با  
نابودگر دیده است!



اسلحه را بگیرید  
و به صندوق باز  
گردانید!



فقط گوشای منه  
که صدای هیمدالو  
میشنوه؟

ما هم میشنومش  
رالف. ولی مهم نیست.  
تیرویزن.



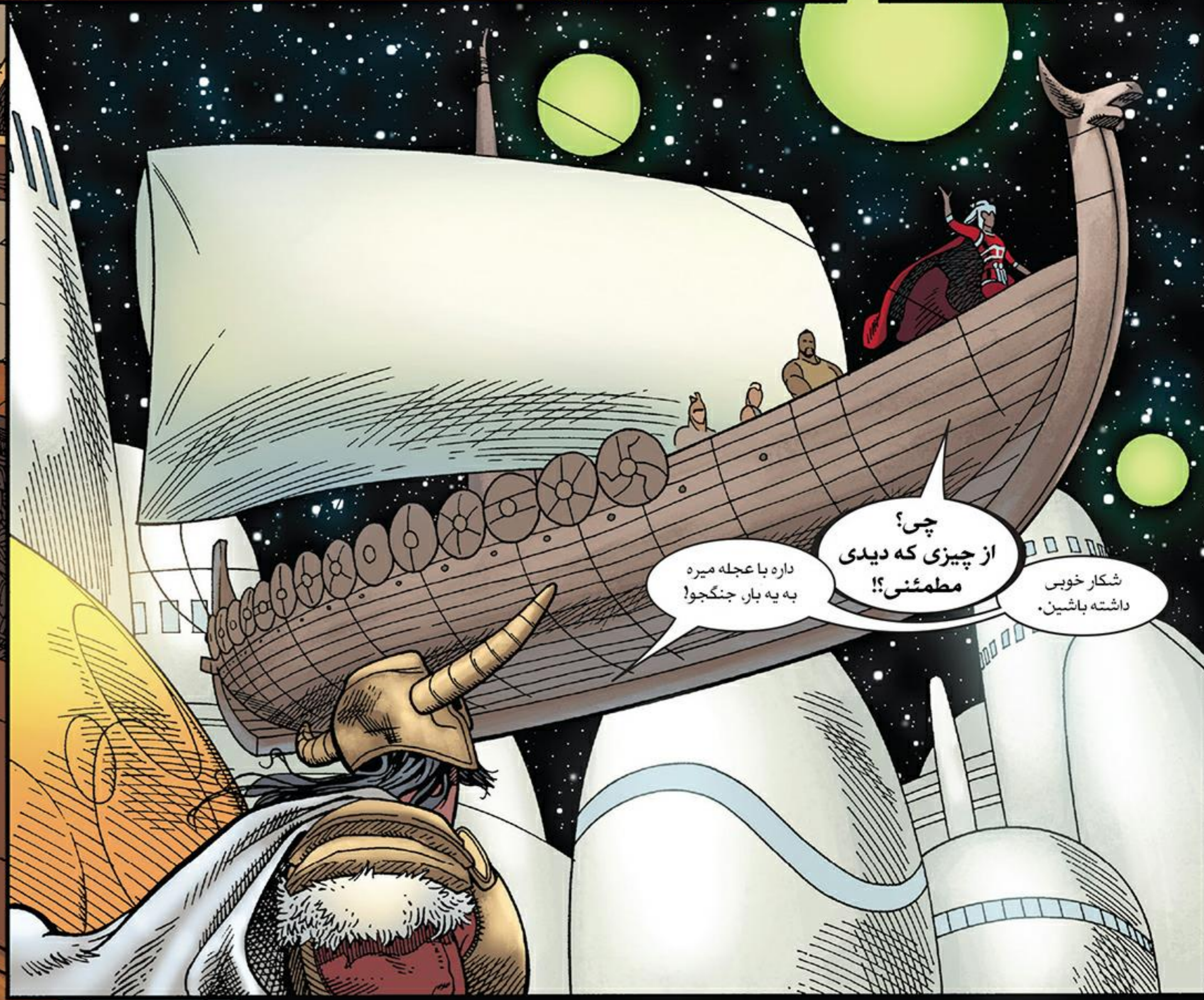
بانو  
سیف.

لیواناتونو بنارین  
زمینو زردهاتونو  
بردارید.

داریم  
میریم جنگ!



طعمی ما الان  
کجاست هیمدال؟ داره  
بزرگان کهنکشان رو تهدید میکنه؟  
دنیاها رو نابود میکنه؟



داره با عجله میره  
به یه بار. جنگجو!

چی؟  
از چیزی که دیدی  
مطمئنی؟!!

شکار خوبی  
داشته باشین.

سفینه‌ی نوا ...  
به هیجا خوش آمدی!

هیجا  
اینجاست؟!

خب، می‌گن که  
اگه تو به کله‌ی قطع شده  
مهمونی بگیری، انگار تو  
همه‌شون گرفتی ...





دروود برتو  
زمینو!

چی میخوای؟

دستمال  
تمیز؟

مهمون و رفیق؟

کیف و حال؟

تو فضا انگار  
هنوز تو دهه ۷۰ زندگی  
میکنی، منم انگار دم  
نگهبانی بندرم.



من اینجام تا به اسلحه  
فک برانداز کنده  
بگیرم.

یا به کم  
بزن بکش؟

دلت تفریح  
میخواد؟

بله،  
هیجا همه چی داره.

من از همه چی متنفرم ولی  
همین الانش هم عاشق اینجام!



پس من همونی ام  
که میخوای!

میفهمی  
چی میگم؟  
یه چیز  
خیلی قدرتمند  
میخوام!

منو گول میزنی؟  
پوستتو میکنم!

اووووه!



اوه، اون کتاخونه‌ی هیجاست.  
بار این طرفه.

باورت نمیشه  
چه شایعه‌ای و همین  
تازگی شنیدم ...

عالیه. پس بریم  
تو این باره و اونجا  
وسایلتو نشونم بده.



... یکی از جاسوسان تو سپاه نوا خیر داده که به دیوونه‌ی زمینی فرا نابودگر و گرفته دستش و داره میاد این سمتی!

عالیه.  
منو معرفی کن.

پسر، ما همه جور دلال اسلحه اینجا داریم.



اوناهاش ... یارو قرمزها!

فرا نابودگر کجاست!؟

به مهمونی خوش اومدی، فرا زشت!



داری چیکار میکنی!؟ فرماندهای گشتی تیکه‌ی کم شده رو عصبانی نکن!

ددپول!



بانو سیف!

من از ازگارد اومدم تا فرا نابودگر رو بگیرم.

یا آزادانه بهمون بدش، یا با مرکت ازت میگیریمش!

پیشنهاد میکنم احمق بازی در نیاری!





یا فضا مضا!

اینو میخوایش؟!!

پس بیاین  
بگیرینش!



اسلحه رو  
بده به ما!

یادت باشه:  
اینجا قراره بشه  
قبرستون و تو داری راه  
مرگو انتخاب میکنی ای  
زمینی!

هاه!

من همیشه مرگو انتخاب  
میکنم. جز خصوصیاتمه.



بار بازه ....  
کی چی میخوره؟

بسیار زیبا!

زیر هر باری  
یه اسلحه هست.









این ماجرا همین  
الان تموم میشه!  
**اسلحه رو  
بده به من!**

شرمنده به کم باید دقیقتر  
اشاره کنی. من اسلحه  
زیاد دارم.  
  
شرمنده البته  
قصد پز دادن  
نداشتم.

تواز لوکی هم  
بیشتر مسخره بازی در  
میاری!

**خودت میدونی  
منظورش کدوم  
اسلحه است!**



خیلی قشنگ  
گفتی جناب وایکنگ.

فکر میکنی  
اینا بامز داست؟!



احتراما  
بله.

فکر میکنی  
واسه گرفتن حال تو  
دست نیاز دارم؟!

راستشو بخوای به نظر  
شروع خوبی میادا، ولی به سری  
خبر بد برات دارم.



«بریدن نفس»  
هالا، خدای مرگ،  
مرا دریاب.

متأسفانه به دلیل کمبود  
زمان، ادامه‌ی جنگمون و  
مجبوریم کوتاه کنیم.

درست مثل  
دستات!

بای بای.



سورن!

اون  
مرده!

نه، بانو.  
ددپول فقط اطمینان  
حاصل کرد اون تا ابد تو  
راهروهای **والهالا** جاودان  
بمونه.



به والهالا  
خوش اومدی.

چی شد که سر  
از اینجا در آوردی؟

به نمایندگی  
آدین تو یه نبرد  
تو یه بار جنگیدم.



ایولا!  
اونوقت چطوری  
مردی؟

یه جنگجو به اسم  
ددپول به سینهام شلیک  
کرد.



**ددپول؟!**

بله  
میشناسیش؟



ها ها ها!

این روزا دیکه  
هر ننه‌قمری رو تو  
والهالا راه میدن!

**ددپول!**  
**هاهاهاها!**

نترس بچه سوسول.  
یه چند هزار سال دیکه یه اسکل  
دیکه پیدا میشه و اونوقت میتونی خودتو  
مرد صدا کنی. یا حداقل دیکه سوژه  
نباشی یا شاختر باشی.

"اسم والهالا متو  
یاد اون مهمونی‌های احمقانه  
میندازه که یادم نمیاد ولی  
فکر میکنم ازشون متنفر  
بودم ..."

شرمنده، میدونم  
دین جز چیزاییه که مردم  
شمشیر به دست اصولا سرش  
خیلی عصبانی میشن.

به هر حال مطمئنم  
زنگی بعد از مرگ شما هم  
مثل بقیه چیزاتون احمقانه‌ست.

دهن کثیف تو  
ببند! والهالا به جای  
خیلی باشکوهه!

نگران نباش  
البته، بعد اون هم باز  
"بانو" صدات میکنن.

احمق جلف!

یااااااااااا!

گوش کن، به سری  
کارا برای بعدا داشتم که  
حالا دیگه تو باید انجام  
بدی.

البته من بازم دست  
دارم.

یه کاری نکن به چیزو قطع کنم که بعدا  
دلت برات تنگ بشه.

یه کاری نکن به کاری  
کنم که بری سراغ اون چیز.

واو! واقعا ...  
واقعا دلم شیکست.

چون مگه قبلا با اون  
یارو ثور کارگره نمیرفتی  
بیرون؟

چی بود اسمش؟  
استرایکریکر؟  
مالت استرایک؟

هیچقوت تو  
عمرم بیشتر از این از یه  
مرد فانی حاله به هم  
نخورده بود.



تاندرا استرایک!

یا حضرت آدین!  
برودها اومدن!!

سسسسسس  
سسسسسس  
سسسسسس

\* نابودگرو بده به ما!

وااو، سایز اون سوسکه رو باش. موقع تو اومدن کسی نمره سلامت این بار رو نگاه کرد؟

میبینی چه دیوونگی ای راه انداختی؟!

به من چه ربطی داره که اینجا کثیفه؟



ر!!!!!!!!!!!!!!  
ملکه شون!  
جنگ و بیرین سمت  
ملکه شون!

باشه.



چخبر بانوی من.

خب، بین... این قضیه اصلا شخصی نیست. نمیخوام بعدا آنلاین به چیزی بخونم راجع به ددپول که به ملکه رو تو به بار تو فضا زد له کرد. فقط به کار فضاییه بین خودمون، خب؟

حله؟

سسسسسس

\* سکوت!

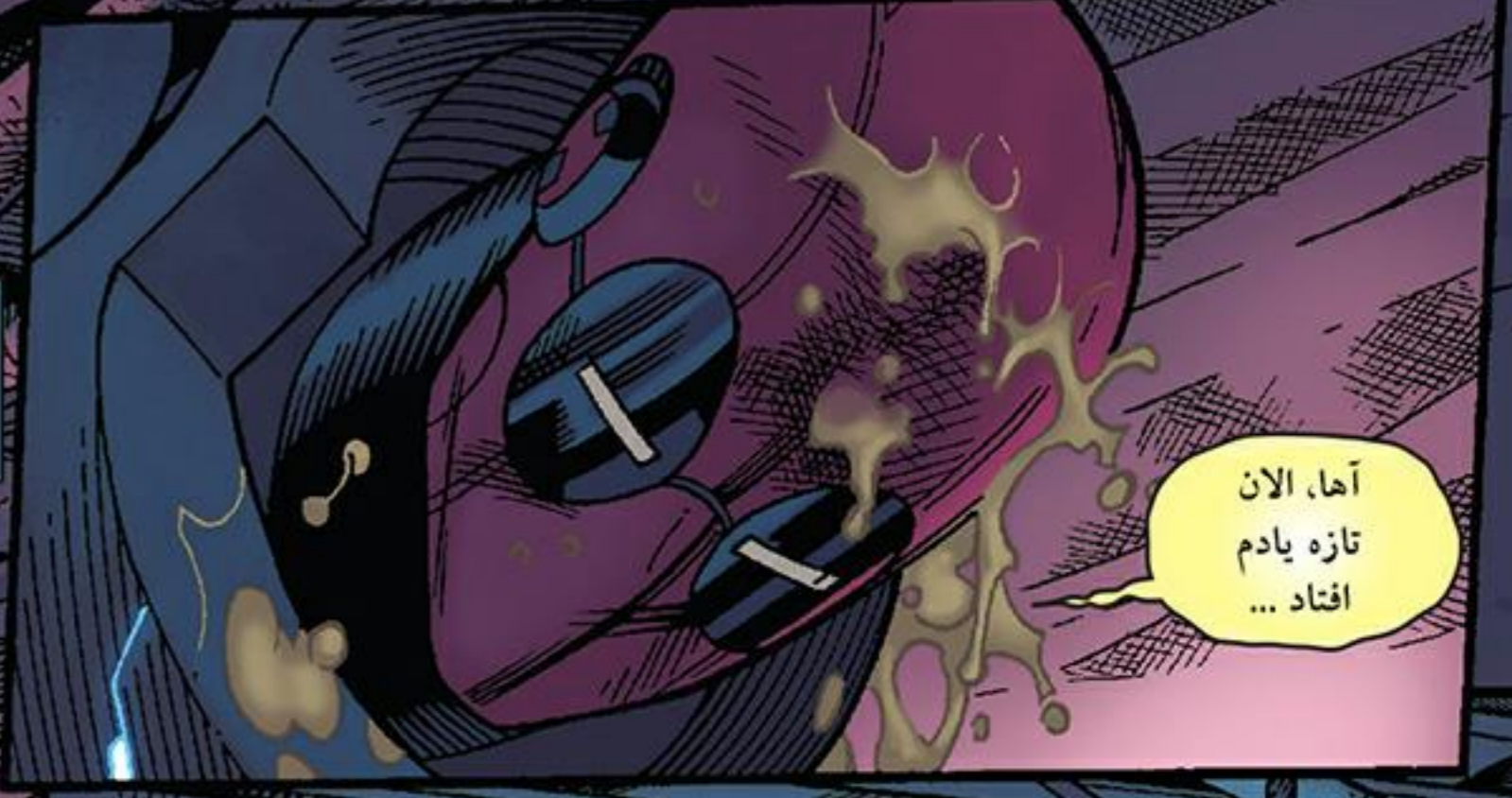






سسسسسس  
سسسسسسسسسسسسسسسسسس

\* این چطوره  
آشغال؟ دهنتو  
خوب مبینده.



آها، الان  
تازه یادم  
افتاد ...



تتتت



من او دم  
مسافرت!  
رفتم  
چتر بازی!

دلگه خلع  
سلاح شده!



همگی به من گوش  
کنین! تفاوتها رو کنار بذارین  
و با هم متحد شین!

برودها باید  
بمیرن!

حتی گلف هم بازی  
کردم ... من از گلف  
متنفرم.



برای  
از گاردا!



تونستم همه کارای  
مورد علاقه‌امو انجام بدم.

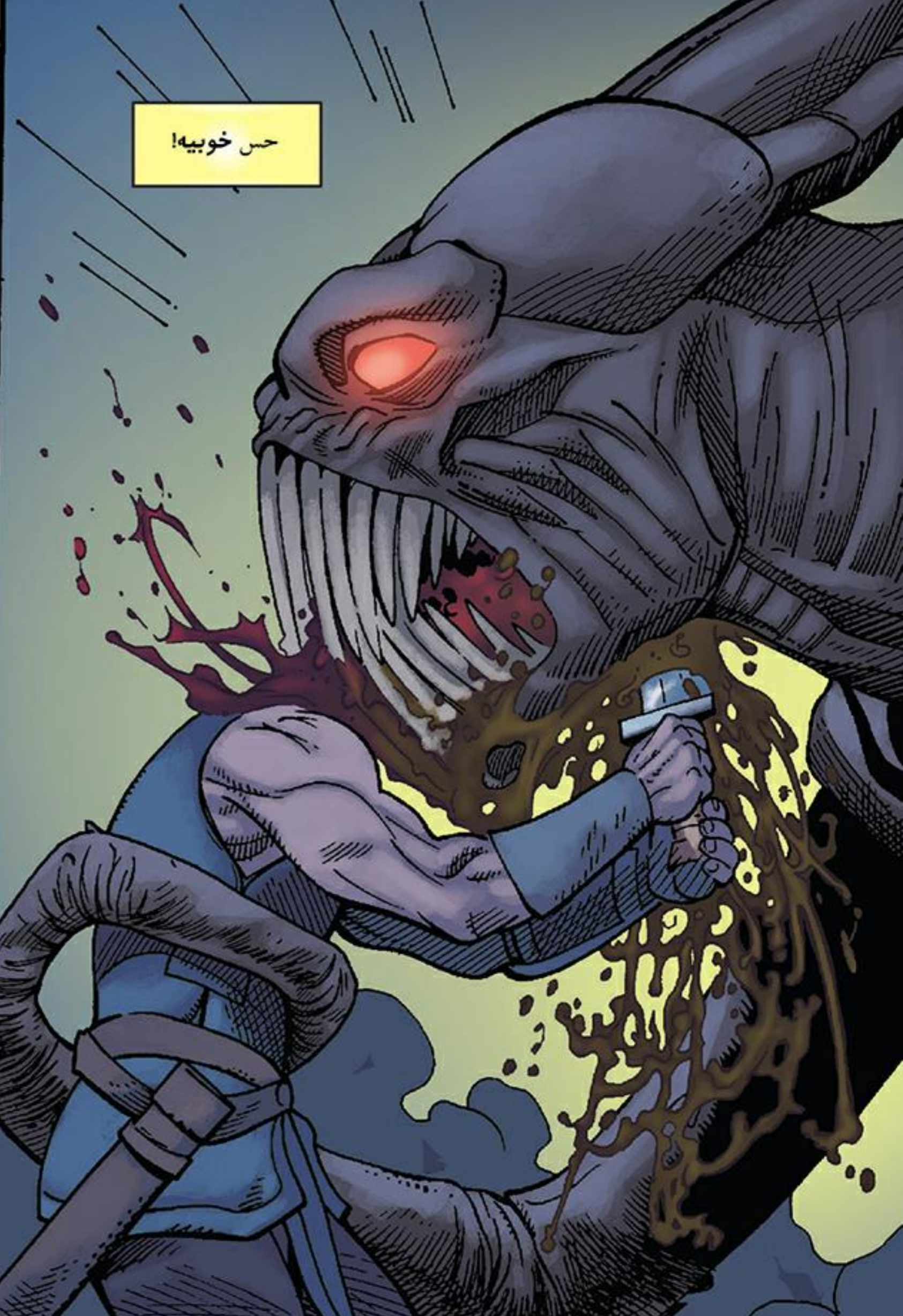
رفتم تو محل جرم  
یکی دیگه و تو خونگی به  
مقتول چرخیدم.



تونستم با اسلحه‌های جدید  
کسایی که تازه دیدم رو  
بکشم.



انقدر که درگیر مشکلاتم با کلاه‌دیوونه و  
زخم و دردسرای اونجرز بودم که اصلا  
هیچی وقت واسه خودم نداشتم.



حس خوبییه!

البته ...

... شاید زهر ملکه‌ی پرودهاست  
که دارم حس میکنم تو  
رگم میچرخه.

تو درونم حس میکنم که انگار  
به فست فود خوردم بعدشم رفتم  
جیگرکی گوشه خیابونو خالی کردم.

و نه، حس خوبی  
نیست.



دلکک قرمز  
مسموم شده. الان  
تبدیل به هیولا  
میشه.

درسته، ولی  
فکر کنم منظورت یه  
هیولای بزرگتر باشه.

این زنه  
منو درک میکنه ...  
فکر کنم عاشقش شدم.

دیوانه با  
خودش حرف  
میزنه.



باید قبل اینکه  
زهر برودها کارشو شروع  
کنه از بین ببریمش.

البته! ولی  
اول!

اگه این زمینی واقعا  
فرانابودگر و داشته باشه،  
خیلی برامون ارزش داره.



نابودگرو ازگاردیا  
میرن.

غیر قابل قبوله!

ولی شاید ... یه  
کیسه طلا بابت "همکاریتون"  
در جنگ بهتون تعلق  
بگیره.



این ... به نظر  
مورد قبول میاد.

هورا! دوباره  
میتونم اعضامو  
حس کنم!

چطوری اصلا  
میتونی تکون بخوری؟



سیف، اگه میخوای  
تکون خوردنمو ببینی پاشو  
بریم یه جا خصوصی.

یا نه.  
همینجا بمونیم این  
فضایها زیون بسته هم  
ببینن.

هاها!  
مرسی که منو  
خندوندی ... حالا  
وقتشه بمیری!

# SPLACK!

آی!

این دیگه چیه؟

این دیگه  
چه جور  
کوفتیه؟!

اون برود نمیخواسته  
مسمومش کنه ... این  
موجود یه جورایی به  
سینه‌اش وصل شده!

برو عقب!  
این زمینی قابلیت‌های  
بازسازی داره. باید یه جوری  
توزهر برود تداخل ایجاد  
کرده باشه!

«غرغر»

آخی،  
پسر خوب.

!!!!!!!!!!!!

PAT!  
PAT!  
PAT!



وووووخ!

دییپ! دیپ!

WOMP



BLARRR



چشمام!  
من کور شدم!

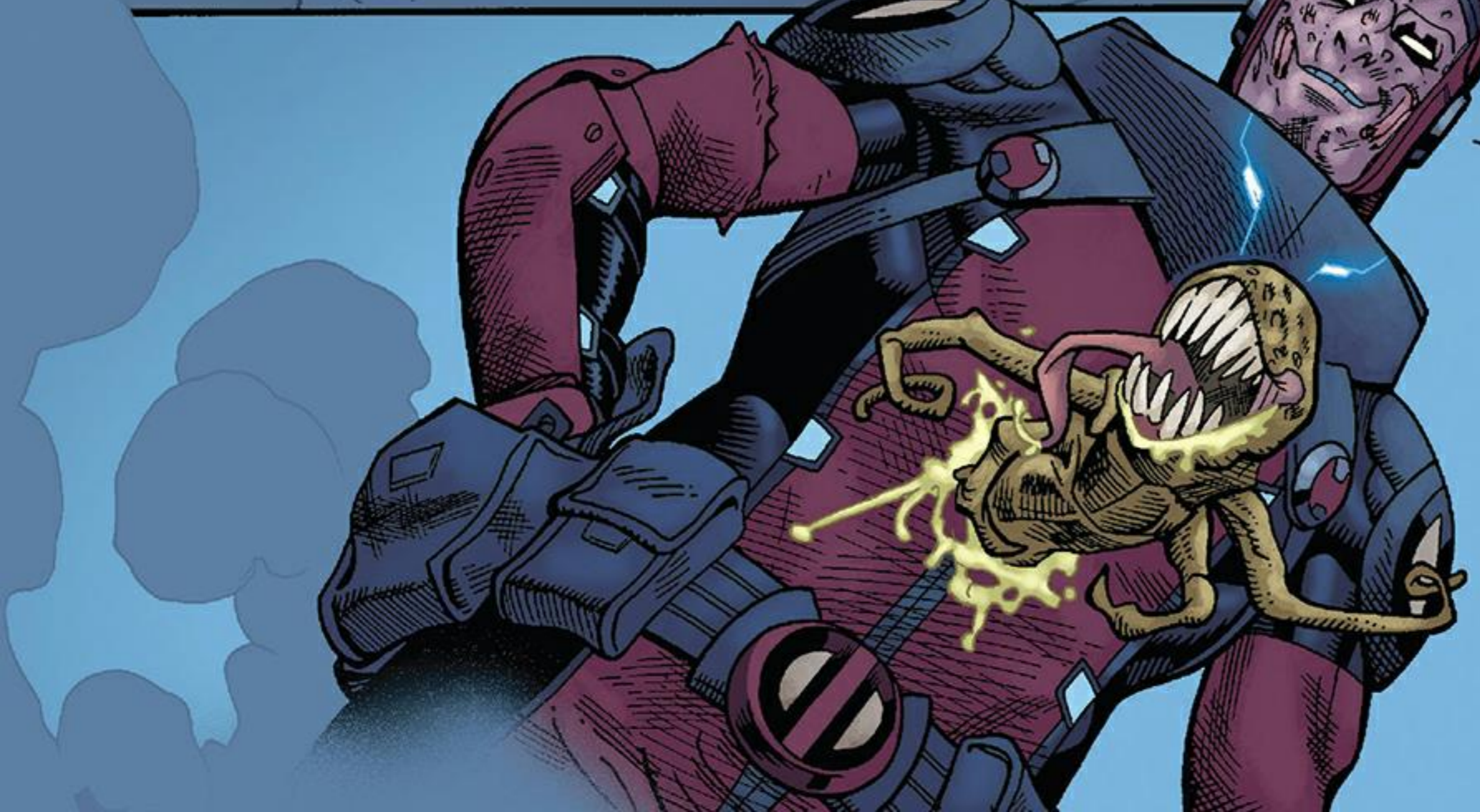
جنگجویان! گوش کنید!  
هر کس ددپول رو تیکه تیکه کنه  
من بهش طلای ازگرادی میدم!

همون لباس  
قرمز هست که الان  
توی باره.



پولدار  
میشیم!

طلا از  
صندوق آدین واسه  
کشتن یه آدم؟ این  
روز شانسمونه!



میشنوی چی میگن  
رفیق؟ دارن میان  
سراغمون.

ولی نگران  
نباش... من نمیدارم  
هیچ فضاییه نکبتی دست  
به حیوون خونگیه من بزنه.

بیا، یه هدیه  
برات دارم. بذار  
رسمیش کنیم.



با ددپل آشنا شین!  
به من اعتماد کن، دوست نداری بدونی کاربرد اون ماسک معمولاً چیه.

“؟”



یا شایدم “برودپول” بیشتر بهش بیاد؟

ياااارق!

گگگ!



عجب غلطی کردم.

وای که چقدر خوش گذشت.





همه تو فضا اومدن  
دنبال اسلحه یا طلا  
یا هر دو.

سپاه و که سر و تهشونو  
یکی کردم...



... حتی حال به سری  
جادوگر دزد چرب زبون هم  
گرفتم.



نمیدونم اون لباس قرمزا  
کی بودن، ولی اونا هم  
جیغ زنان مردن.



لوگان میگفت که میره تو به  
حالت "خشم دیوانه‌وار!"

آره لوگان خوب میتونست تیکه پاره  
کنه ... ولی حقیقت اینه که در مقابل من  
هیچی نبود!

خیلی خب ...

... وقتشه كه  
اين پارتى رو شروع  
كنيم!



اینجا دیگه  
چه خبره ...



توی بارون خون  
میخونم، توی  
بارون خون میخونم.

پاهام ...  
پاهای من کجان؟!

آب، لطفا ...  
و یک موز آخر بهم  
بدین.



رنگ خون تو  
چه رنگیه؟

**SLASSHK**

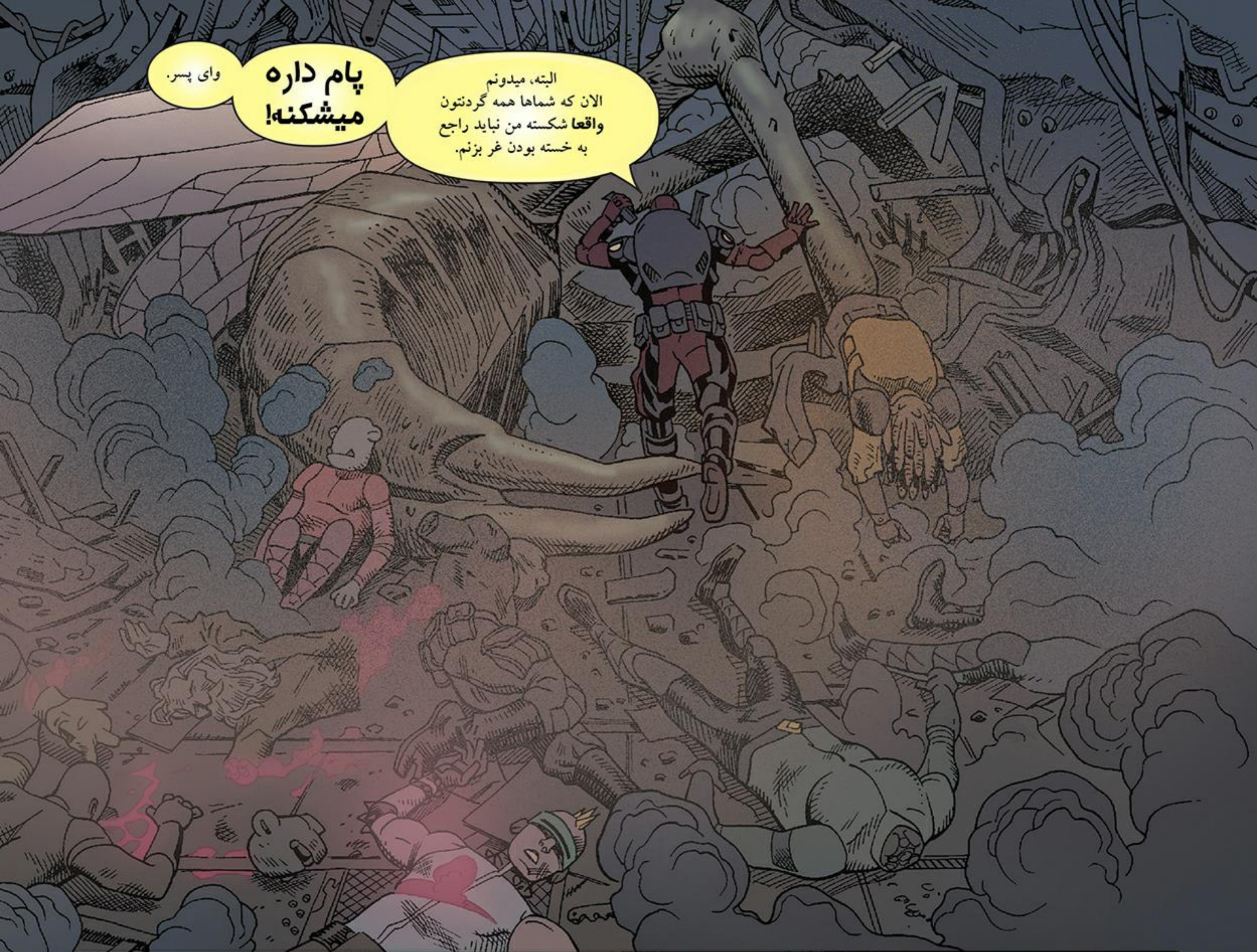


اوهوم، فکر کنم  
از خیر این یکی  
بگذرم.

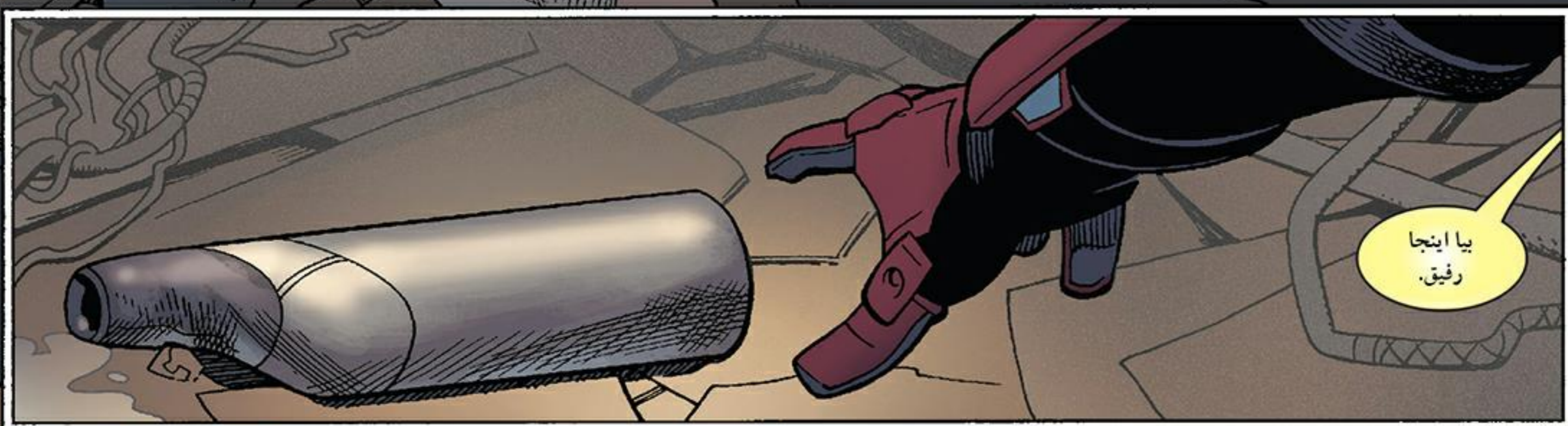
وای پسر.

پام داره  
میشکنه!

البته، میدونم  
الان که شماها همه گردنتون  
واقعا شکسته من نباید راجع  
به خسته بودن غر بزنم.



بیا اینجا  
رفیق.



همم.

یه چیزی  
یه چیزی  
الکل ملکل.

واسه جوک  
گفتن زیادی  
خسته‌ام.



تو هم تشنه  
بودی، ها؟





RRRRRR

بازی دیگه  
تمومیه!

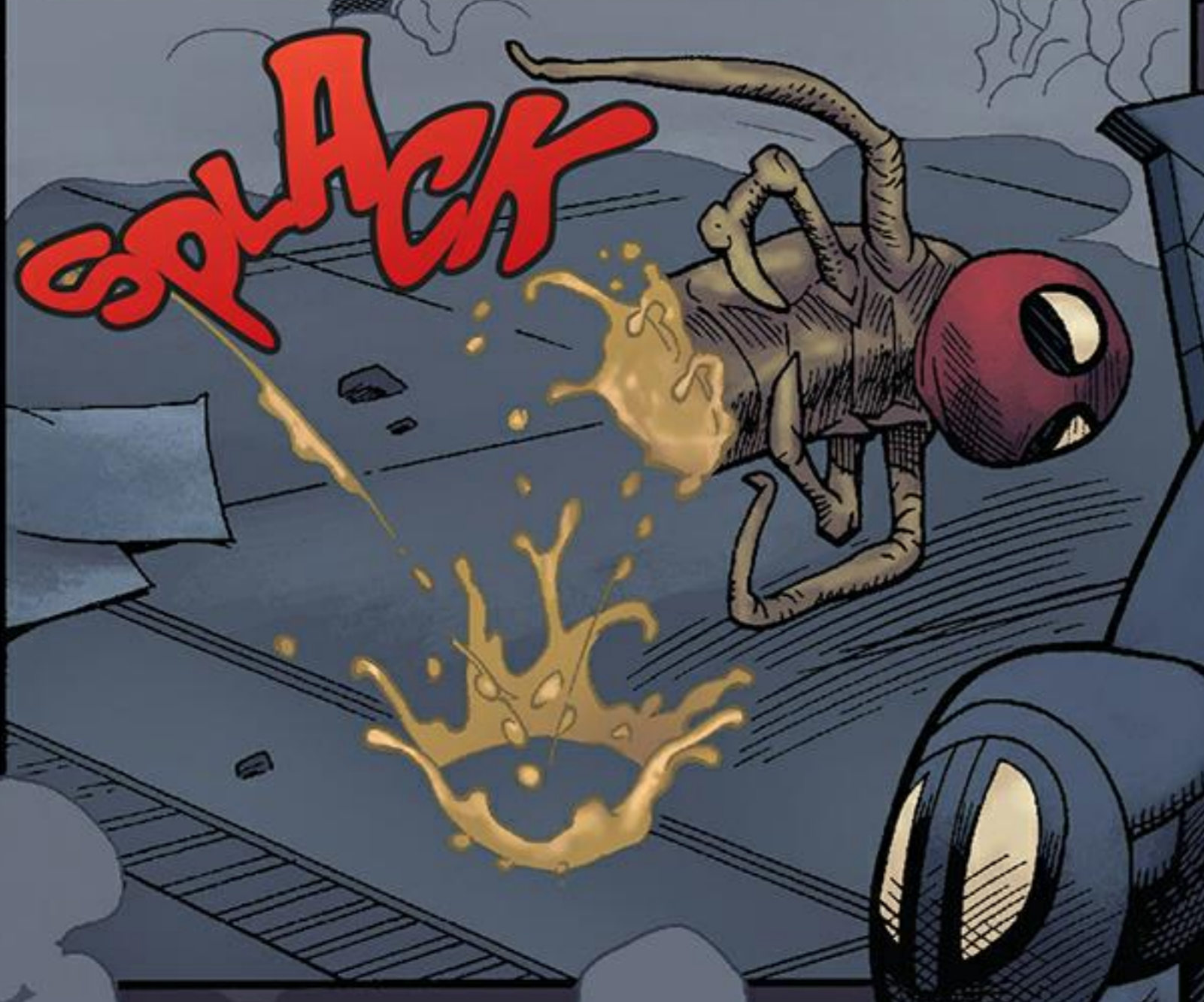
جیسفک!



به من گفتن که  
دیووندهای که تو فضا اره  
برقی میخری. بیاین  
تحویل بگیرین!



جیسفک!



ACK

دل یکی دیگه هم  
شکست ... فقط چون زیادی  
به من نزدیک شد.



حتما بايد ميومدي يه كار  
ميكردى كه ازت خوشم بياد بعد  
دلتو بشكونم كه مسافرتم خراب  
شه!



جيفيكا!



هي! هي، اگه قرار باشه  
هر بار دلتو ميشكونم و پست ميزنم  
راحتو بکشي بري اونوقت زياد تو  
داستاناي من دوام نمياريا!

بايد برگردى  
مهربون باشى و معذرت  
خواهى کنى.

راحتو ميكشى  
ميرى، ها؟



صبر كن يه  
چيزى برات دارم.



بدترين، جوش،  
دنيا.

تويى كه اونجايبى،  
مرد زمينى ...



یه پیشنهاد  
برات دارم.

اسم من مُنارک  
استاراستاگره.

از آشنایت  
خوشبختم  
منارک.

منم بابا نوتل  
از زمین هستم.

تا حالا همچین  
قتل عامی ندیده بودم.  
نام بابا نوتل به زودی  
وحشت رو در سراسر کهکشان  
پخش میکنه.



بذار از لاو  
ترکوندنا بگذریم.  
بریم سر اصل مطلب.

چی میخوای؟  
ثروت یا قدرت؟



خب، بستگی  
داره. در حال حاضر دنبال  
قدرتم. یه قدرت خفن!

فهمیدم. میخوای  
یه موجود خیلی گنده  
رو بکشی.



ولی اسلحه‌ای که  
الان با خودت داری ... فقط  
دشمنت رو نمیکشه، خودت هم  
میکشه، و شاید چند سیاره دیگه  
هم نابود کنه.

من بعضی مواقع  
با یه سری افراد خیلی شاخصی  
کار میکنم که دوست دارن  
اسلحه‌ای نظیر چیزی  
که الان داری داشته باشن.

یه جوری حساب  
میکنه که ارزششو برات  
داشته باشه.



این اسلحه؟  
این همیشه کنار من  
میمونه، تا موقعی که از غلاف  
درش بیارم ... و اون موقع  
یکی میمیره.

فکر کنم هرچی  
میخواستم و پیدا کردم.  
مگر اینکه ... یگو بینم، اون  
اسلحه‌ی تو چیکار میکنه؟



خب پس ...  
چطوره که با تو به  
معامله کنم؟



بابائونل به کیف  
جدید گرفته و حسابی  
هم فکیر اندازه!!



اسلحه رو بده  
من یا بمیر!





آآآآآآآآ



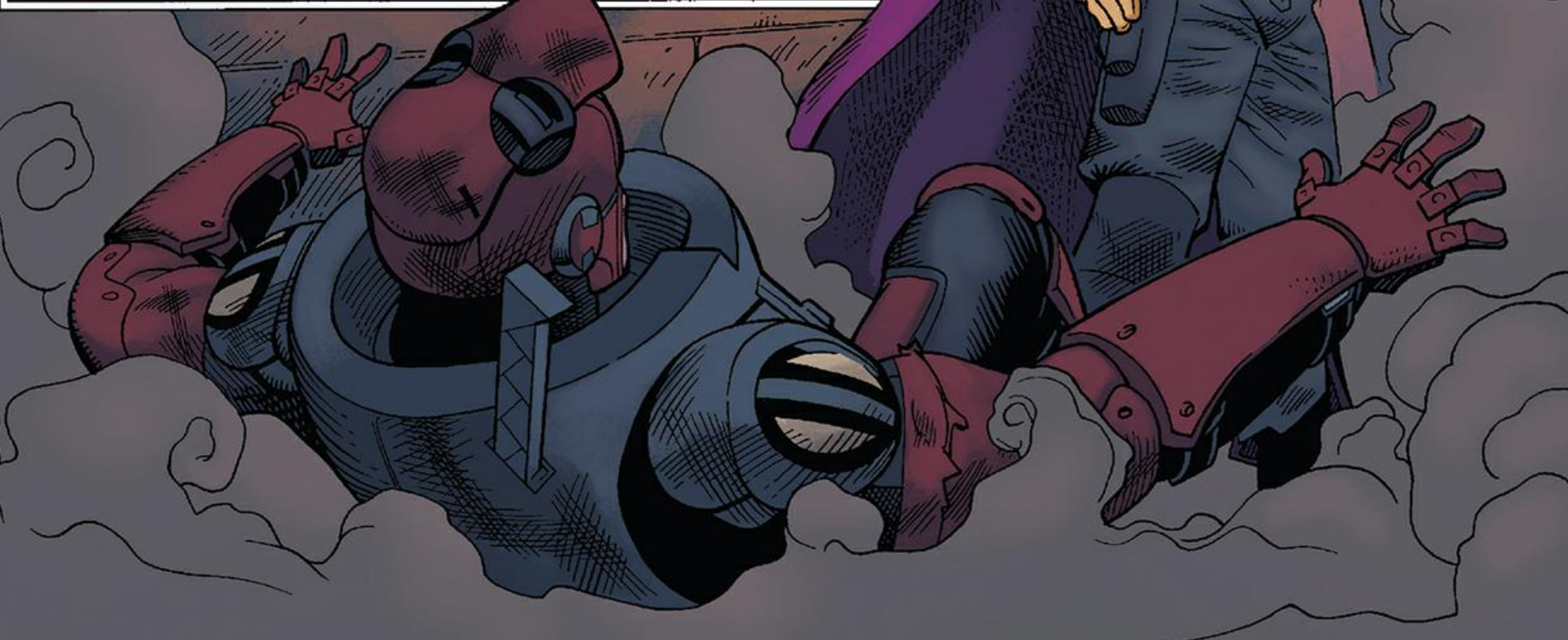
باید به حرفم گوش میدادی.

BWOOM



از منارک به ایستگاه.

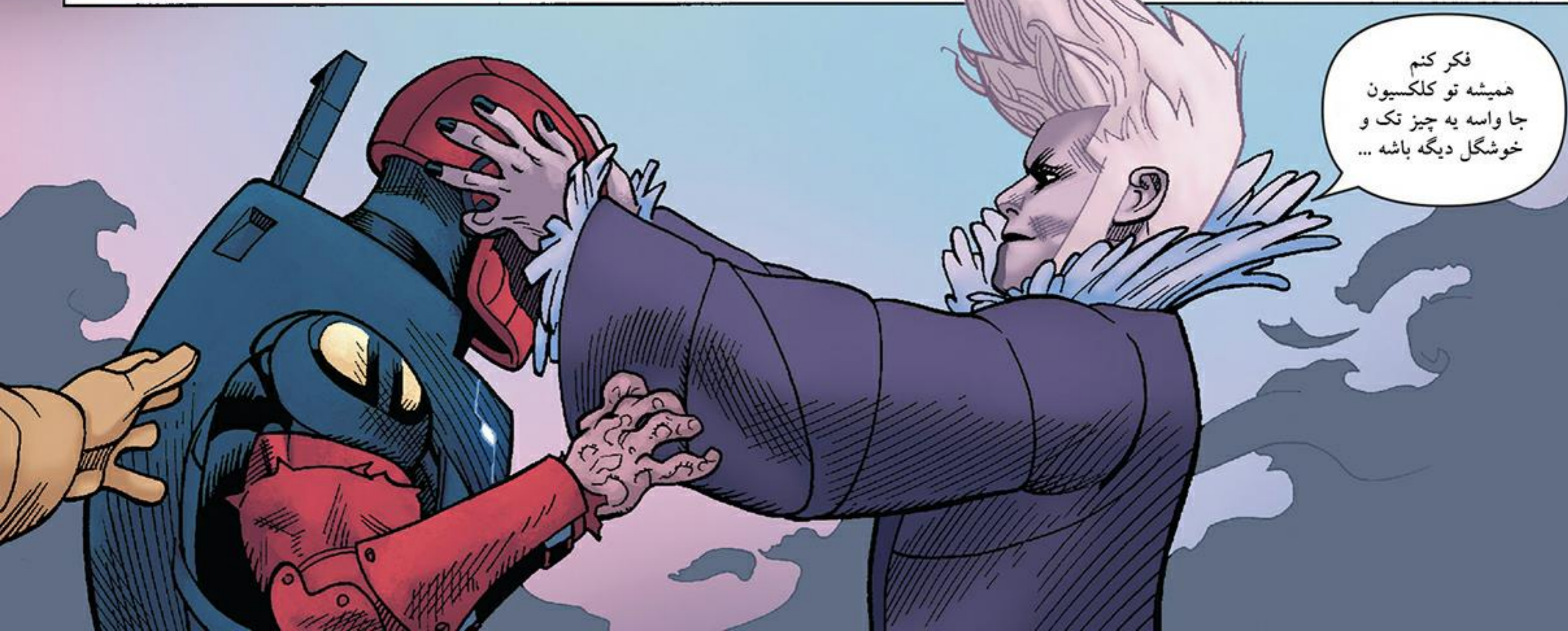
زمینی معروف به بابانوتل رو خلع سلاح کردم و الان نابودگر رو تحویل میگیرم.



اوه اوه. صاف میری تو بالای لیست بچه های بد بابانوتل.









این اصلا جایی نداره!  
... ولی

سلام علیک.



بابت زحمات ممنون  
منارک.

من دیگه  
باید برم.



کنجکاوم  
بدونم احمق به تمام  
معنایی همچون تو واسه چی راجع  
به فرا نابودگر دروغ  
گفته؟



اوه، من دارم  
سعی میکنم زمینو از شر  
یه دلفک رنگارنگ خاص کاملا  
تخریب نپذیرم راحت کنم.

اون خیلی ... خیلی  
معرکه است!

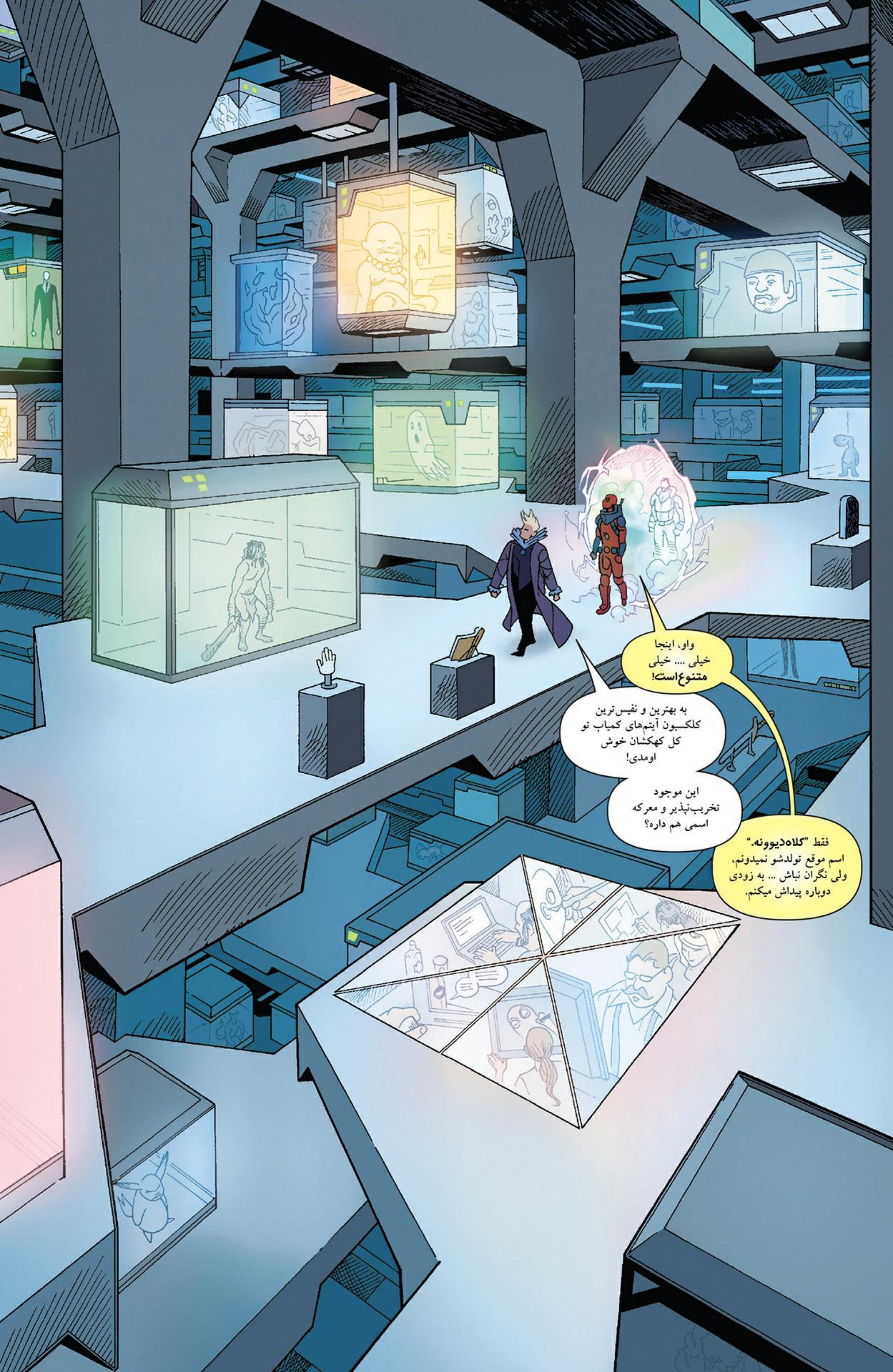
من نمیتونم تا موقعی  
که اون رو زمینه با بدن  
نه چندان معرکه‌ی خودم زندگی  
کنم.

هر راهیو واسه  
نابودکردنش امتحان کردم،  
ولی همه جوره دوباره برمیگرده  
سر جاش.



همم.  
برام بیشتر بگو.

خب دیگه،  
به سلامت.



واو، اینجا خیلی ... خیلی متنوع است!

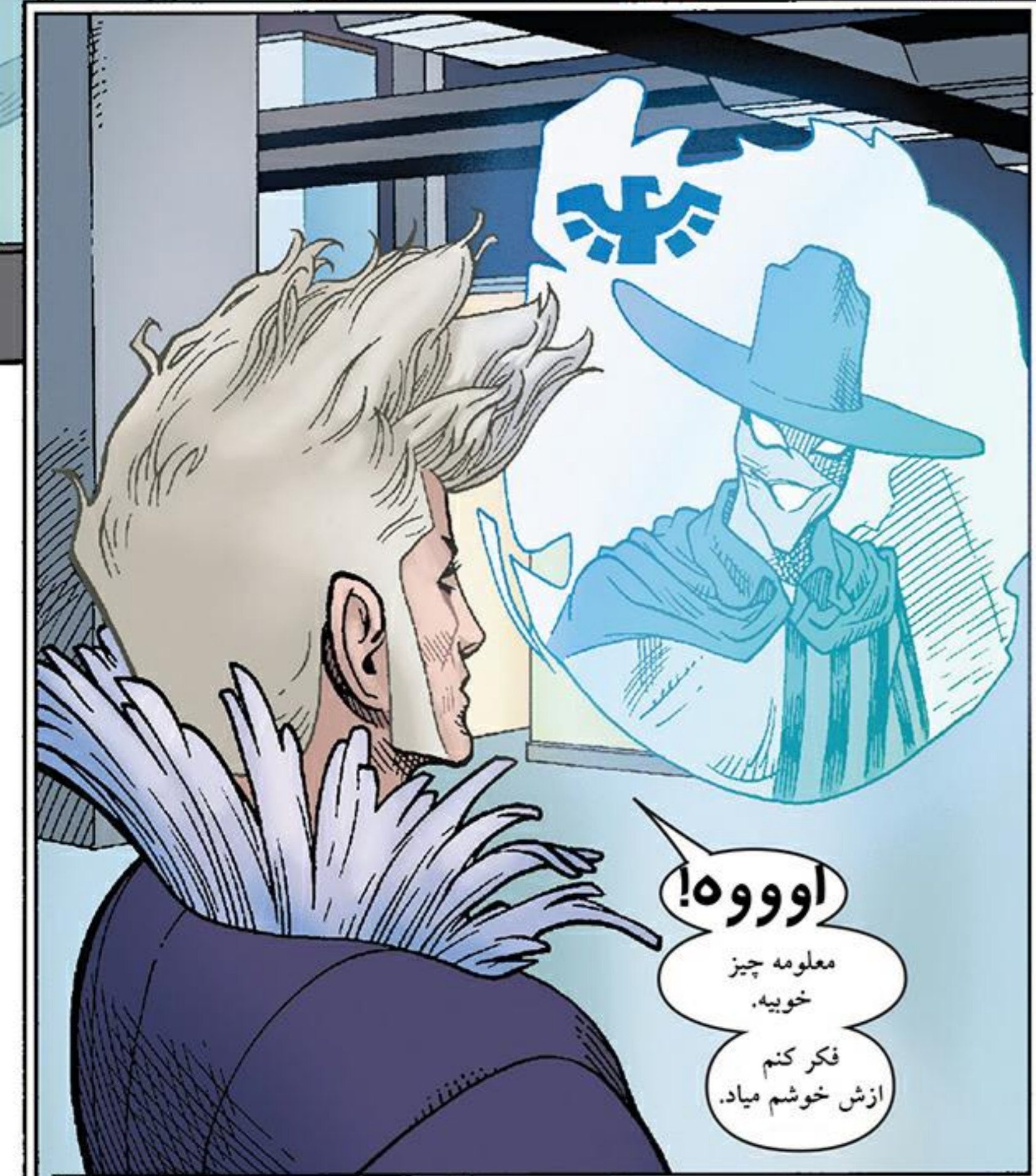
به بهترین و نفیس ترین کلکسیون آیتم های کمیاب تو کل کهکشان خوش اومدی!

این موجود تخریب پذیر و معرکه اسمی هم داره؟

فقط "کلاه دیوونه". اسم موقع تولدشو نمیدونم، ولی نگران نباش ... به زودی دوباره پیداش میکنم.



کلاه دیوونه.  
چیزی که  
میخوامو تو اطلاعات  
سیارهات پیدا میکنم.



اووووه!  
معلومه چیز  
خوبیه.  
فکر کنم  
ازش خوشم میاد.



اووف، این چیه  
دیگه؟ آینه دو طرفه واسه  
کل کهکشان؟

یه جورایی میشه  
گفت آره. من بیشتر اطلاعات  
رو بهش دادم... از گذشته و حال  
و آینده. بهم اجازه میدم از چشمام  
تو زمان و فضا استفاده  
کنم.

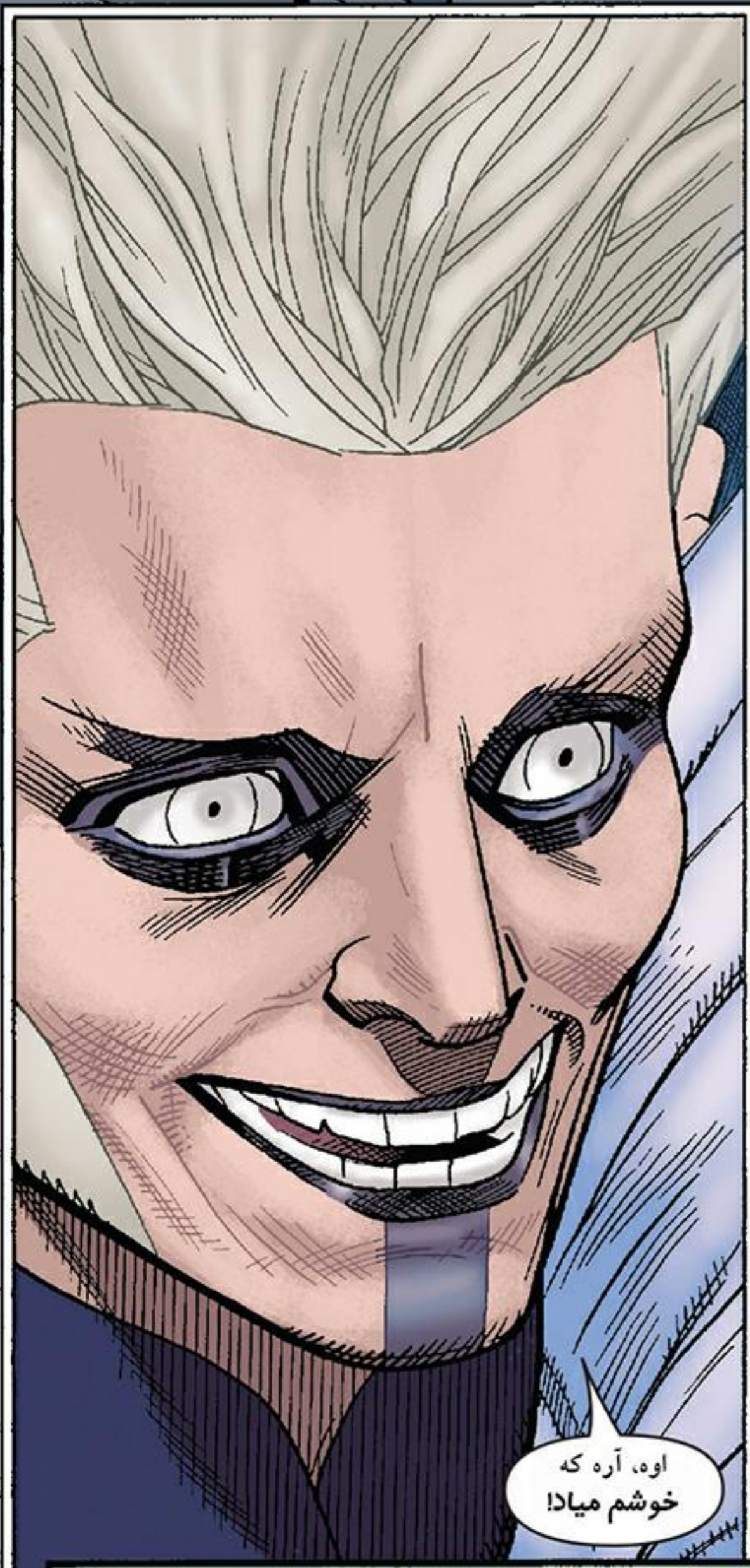


فکر نکنم  
خیلی خوشت بیادا.



من این یارو  
"کلاه دیوونه" رو  
میگیرم!





اوه، آره که خوشم میاد!



قانعام کردی. من باید این مخلوق دلپذیر، رنگارنگ، بامزه و تخریب‌نپذیر رو تو کلکسیونم داشته باشم.

فروخته شد!



بعد این که این مخلوق و پیداش کردی، اینو فعالش کن و من میام رو زمین تا کلاه‌دیوونه رو جمعش کنم.



آره! مرسی که یادم انداختی ... فقط خیارشور میخوره و باید به آهنگ گُستباستر هم هی و هی و هی رو تکرار گوش بده.

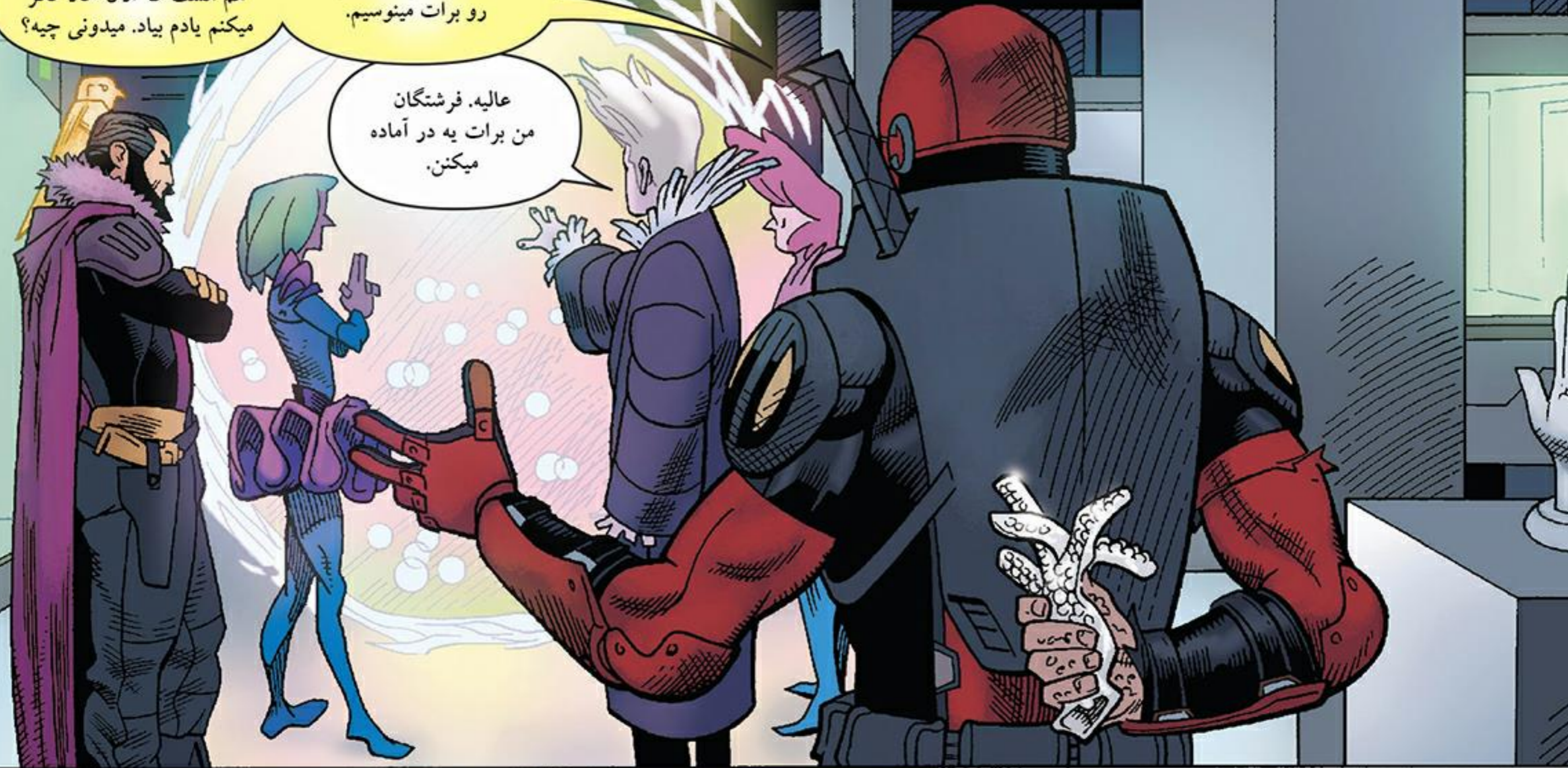
این یارو کلاه‌دیوونه نیاز به نگهداری خاصی داره؟



یه سری چیزای دیگه  
هم هست که الان حالا فکر  
میکنم یادم بیاد. میدونی چیه؟

نگران نباش. همه‌اش  
رو برات مینوسیم.

عالیه. فرشتگان  
من برات یه در آماده  
میکنن.



چکاوک، تو بر  
من پیروز شدی.

و بر اساس فرهنگ  
من باید این هدیه رو از  
من قبول کنی.

تو واقعا یه حریف  
جالبی هستی شیطان.



هدیه‌ات رو قبول  
میکنم و امیدوارم که دیگه  
تو زمین جنگ نیینمت ... یا کلا  
هرجای دیگه‌ای.

فکر نکنم  
نیازی باشه نگران این  
مساله باشی.

بدرود.







منجمدش کن!

BOOM!



عزیزم.



عجب گند کاری ای.



منارک بیچاره.  
به نظر میرسه که بابائونل  
هیچ احترامی نداره.



حداقل سیستم  
عصبی منارک با رنگ  
کدگذاری شده.



فقط به کم  
زمانشو میزنم عقب.



صبر کن منارک.  
سعی نکن حرف بزنی. تارهای  
صوتیت هنوز رو زمین.

اککفت.



لعنت  
بهش!



بابائونل از  
زمین امروز به دشمن خیلی  
قوی واسه خودش  
ساخت.  
**تیکه تیکه اش  
میکنم!**  
هر جور دلت میخواد.  
ولی، الان نرو  
سراغش ...

"... تا بعد اینکه  
کلاه دیوونه رو تحویل  
بده!"

سلام  
خوشتیپ.

مهمون نمیخوای؟

تعارف  
نکن.

اینظوری که تو حرف  
میزنی رو تو سیاره من  
بهش میگن اسپم.

بین، بابت پیشنهادات  
ممنون، ولی اصلا الان  
حال این چرت و پرتا رو  
ندارم.

من اودم  
هیچا دنبال به اسلحه  
بگردم دشمنم و نابود کنم،  
ولی چیزی گیرم نیومد.

خب، من به  
چیزی خارج از منو دارم  
که میتونه کمکت کنه.

معمولا واسه  
چیزایی مثل این پول  
بیشتری میگیرم، ولی تو به  
نظر بچه خوبی میای، واسه  
همین مهمون منی.

وقتی دیگه هیچ  
امیدی نبود، اینو باز کن و  
بمال به بدنت. شکست ناپذیر  
میشی.

هاه، مرسی.  
یه تستش میکنم. کارای  
دیوونه وارتر از اینم کردم.

دوباره  
پیشم بیا.

هی ... میگم چقدر  
میگیری به ساعت وقتتو  
در اختیار من بذاری؟

خب، هیچی اونظوری  
که فکرشو میکردم پیش  
نرفت، ولی فکر کنم آخرش  
همه‌اش نتیجه داد.



اومدم فضا به راه پیدا  
کنم که کلاه دیوونه رو بکشم ...



... ولی به راه حل پیدا کردم که  
اونو نمیکشه. نمیدونم باید چه حسی  
داشته باشم.



جمع کننده قراره به تیکه  
جدید به کلکسیونش اضافه  
شه.

کلاه دیوونه:  
موجود  
زندهی تخریب ناپذیر



تونستم به موجودات  
فضایی دست بزنم، و کمی  
از دی ان ای امو توش بذارم.



حتی واسه ادسیت  
هم قبل رفتنم به  
کادو بردم ...

چرا نمیتونم  
وصل شم به وای فای؟

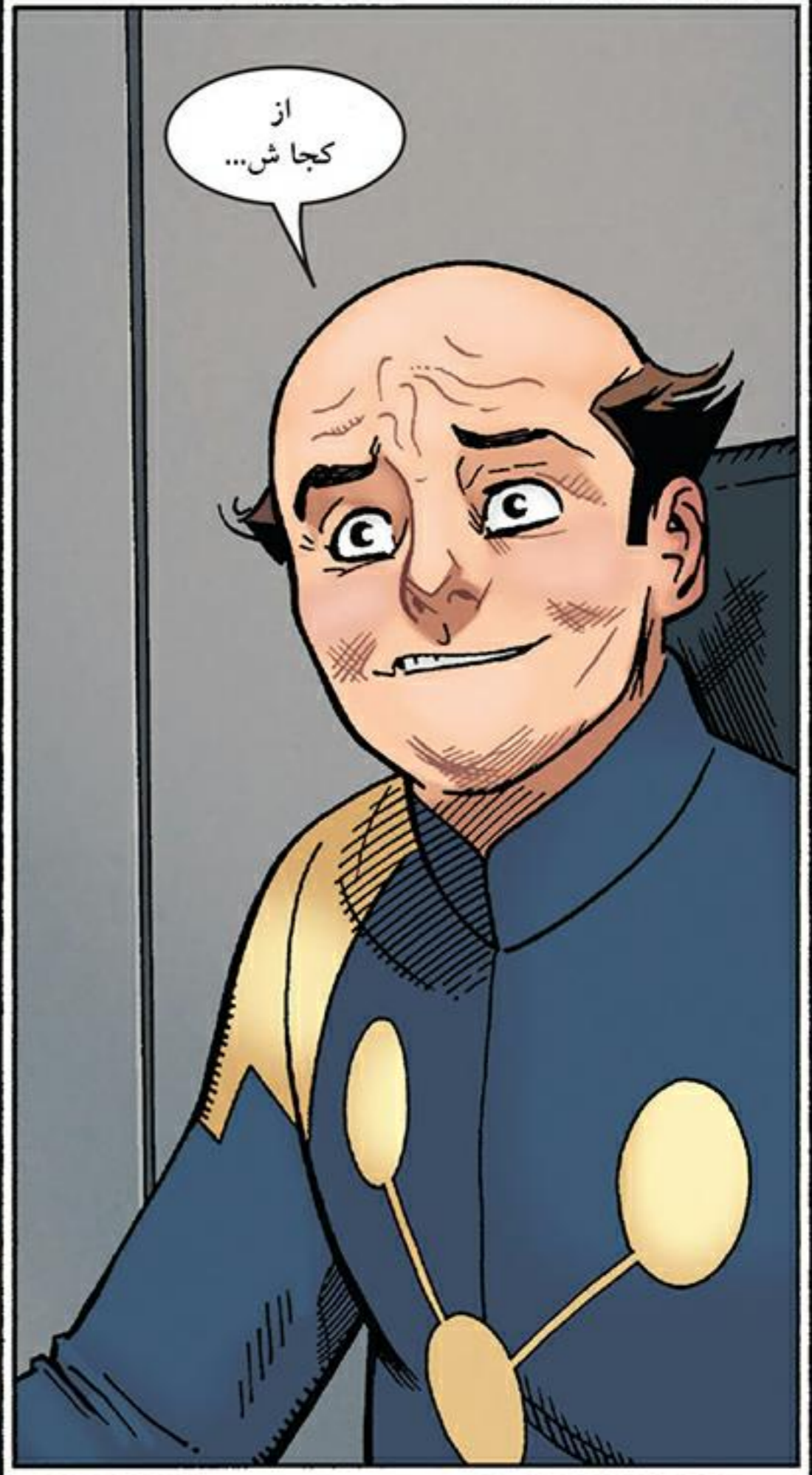
تو مامور  
سپاه نوا، ادسیت  
هستی؟

یه کم دستم بنده،  
میشه بعدا بیای؟

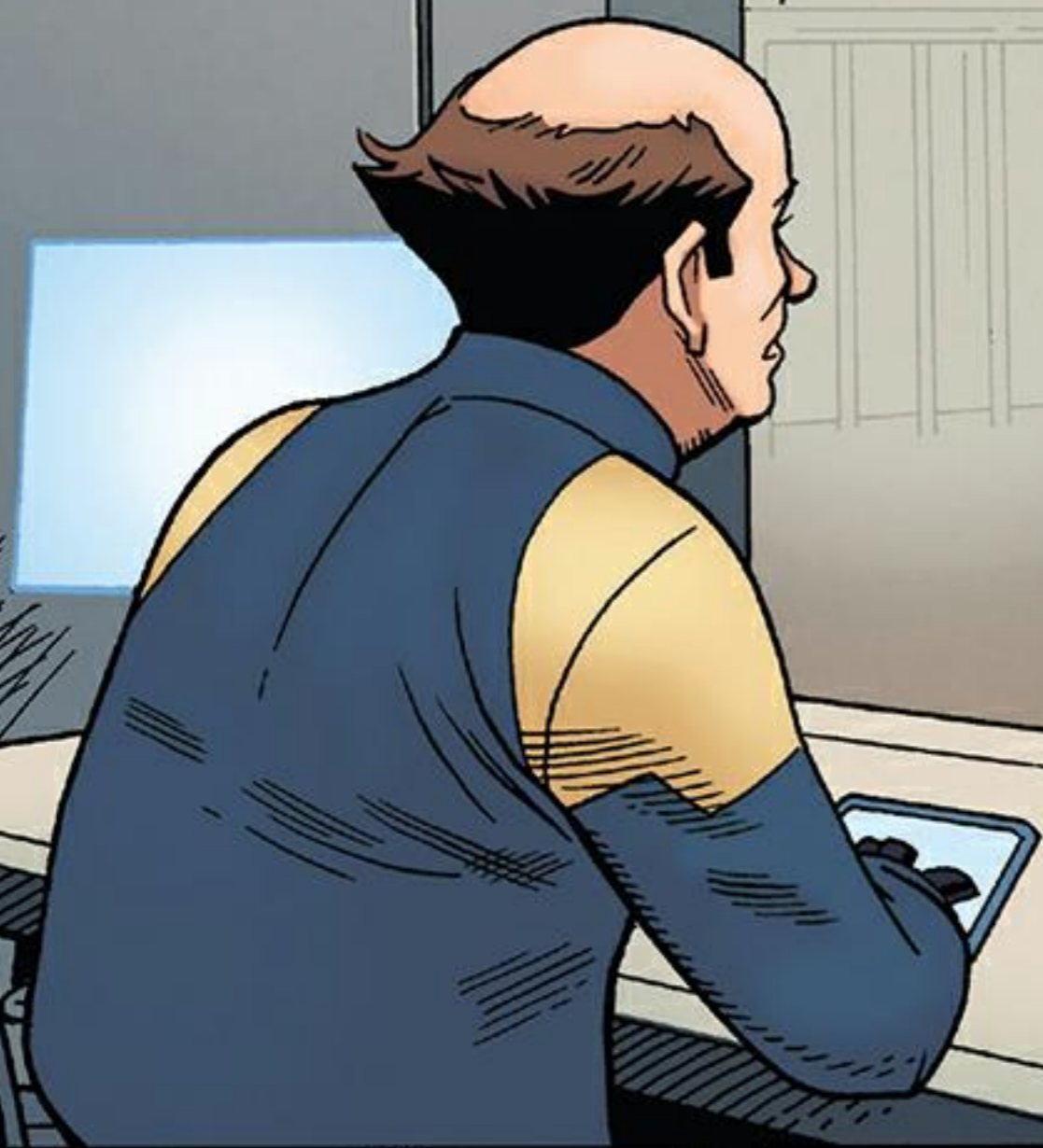
واسه یه روز به  
اندازه کافی کار کردی.

شنیدم که  
از دخترای پوست سبز  
خوشت میاد.

هااا؟



از  
کجا ش...



ددپول.

البته.

خواست که  
پیام از طرفش خدافظی  
کنم.



خب دیگه  
زیادی حرف  
زدیم!


یاوا!

SMACK


نومدم  
اینجا حرف بزنم.

خب... ام ...  
این خبر خیلی  
خوبیه.





مطمئنم سپاه نوا به بیمه  
سلامت داره که مریضیهای فضایی  
رو درمان کنه.




نمیشه بری مسافرتو واسه بچه‌ها  
سوغاتی نیاری.




آخ.  
وای پسر.

نباید کل ماجرا رو  
با مسخره کردن اون  
دانشمندا سر دستشویی  
رفتن شروع میکردم.



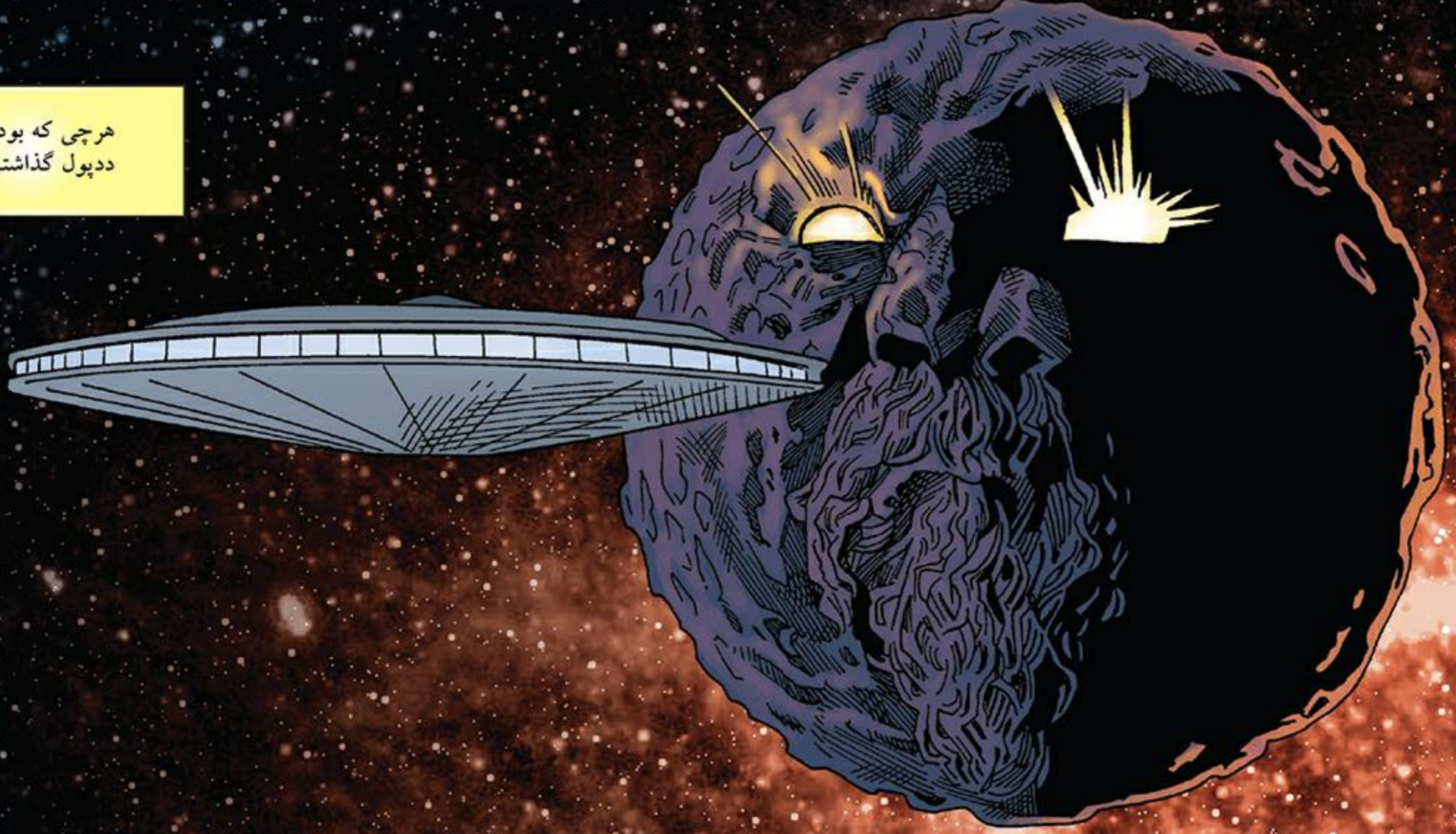
یه مشکل قهوه‌ای دارم که داره خودشو آماده  
میکنه و نمیخوام وقتی میرسم خونه تو کل صورتم شناور  
باشه.

یه سیاره‌ی خارج از مسیر و  
آروم پیدا میکنم و یه کم کود  
براشون میذارم.



آخیش!

هرچی که بودو به نام  
ددپول گذاشتم اونجا.



آخرین محل استراحت آلیس کرامن  
امشب خیلی قشنگه.



برید تحقیق کنید، همه چی  
رو من نباید توضیح بدم.

اووو پس!



برای اولین بار بعد از یه مدت  
خیلی طولانی، تو دلم پر از امیده.

که البته چیز عجیبیه، چون که الان  
با آتیش محاصره شدم، ولی حالا هرچی.

نمیخوام با حرفام خودمو  
از این حس دربیارم.





روانیا! خرابش کردین!  
لعنت بهتون! لعنت به تک تکتون!



اوه، صبر کن!  
آخیش.

امشبو پرو  
مرخصی، کاپیتان  
سیاره.

ددپول اینجاست!





اولین کاری که بعد از گذاشتن پام رو زمین انجام میدم اینه که به سر به الی و خانواده‌ی پرستون بزنم.

تو تختشون و حالشون هم خوبه.



... ولی تا کی؟

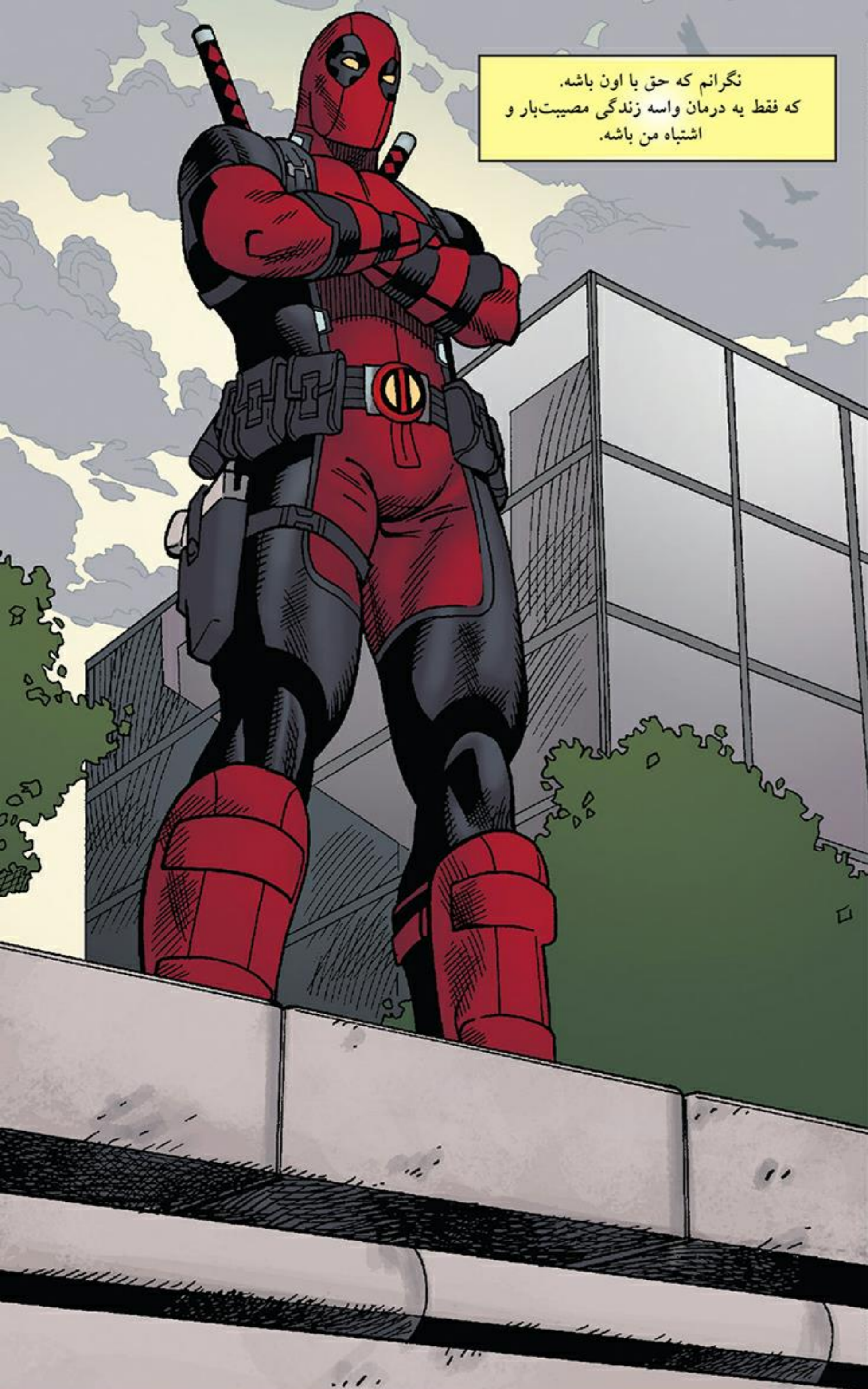
سوغاتی از طرف فضاوردتون  
پ.ن. اونا واقعی‌ان!



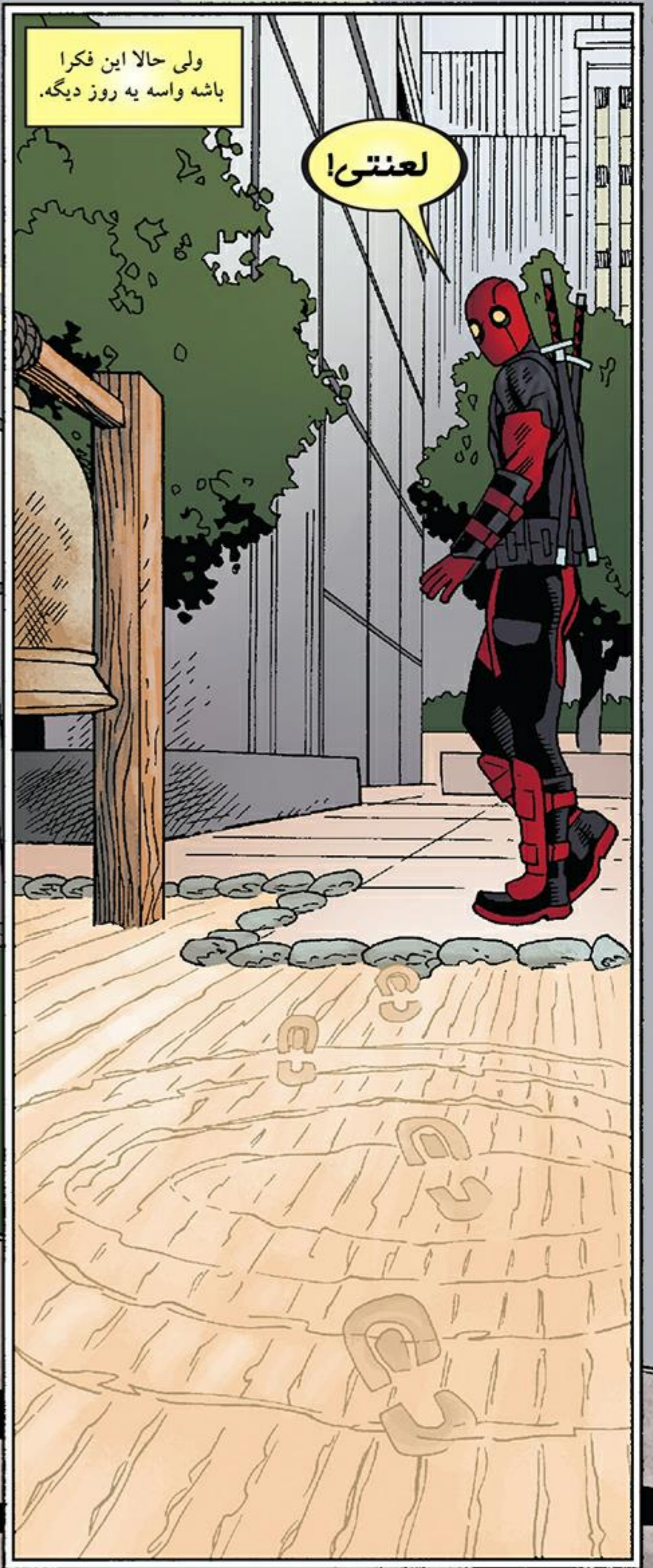
کلاه‌دیوونه تقریباً کشتشون. من الان واسش یه نقشه دارم، ولی ... واسه دیوونه بعدی چی؟ یا یکی بعد از اون؟



چندوقت پیش سبیرتوت بهم گفت که من دیوونه‌ام که میذارم این همه آدم خوب بهم نزدیک شن.



نگرانم که حق با اون باشه.  
که فقط به درمان واسه زندگی مصیبت بار و  
اشتباه من باشه.



ولی حالا این فکرا  
باشه واسه به روز دیگه.

لعنتی!



خیلی دیر کردم؟  
کلاه دیوونه همین الانش  
برگشته؟؟



فقط منم  
وید.

ببخشید که  
اینطوری سرزده میام،  
ولی این روزا پیدا کردنت  
کار سختیه ...



امیدوارم که  
استراحت کرده باشی و  
آماده باشی.

دوران سختی  
داره شروع میشه  
وید.

کشورت بهت  
نیاز داره.

من بهت  
نیاز دارم.

کاپیتان دروغ نمیگفت.  
تاریک‌ترین روزهام درست  
جلوم بودن ... و من هنوز  
نمیدونستم.



خیلی هم عالی.  
هیچکاری نیست  
که من برای تو  
انجام ندم کاپیتان.

**ادامه‌ی داستان در  
ددپول: امپراتوری مخفی!**

شماره ۳۱

# ددپول

COMIC CITY



DAVID  
01/17  
LOPEZ

ترجمه شده توسط:

# کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins  
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman